

جنگ، معضل رژیم قربا نگاه توده ها

جنگ ارتجاعی ایران و عراق به رغم شدت با بی بیش از پیش آن در هفته های اخیر، همچنان درین بست است. تشدید و ادامه این جنگ ارتجاعی از سوی رژیم جمهوری اسلامی، که برای شکستن بن بست فوق وفاق آمدن بر بحران انقلابی موجود صورت میگیرد تا آنچنان شرایط مناسبی را ایجاد کند که بتواند رژیم را از جنگ مجموعه شناقات لاینحل جاری رها ساخته، تا زمینه تشبیت موقعیت خود را فراهم آورد، اما هر حرکت جدید در جهت تشدید و یا ادا مه چنگ بر شدت اوضاع و خامت بار کشونی می افزاید، و رژیم را که اساساً قادر به حل بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه نیست و ذاتاً عاجز از هرگونه اقدام جدی و در جهت تعدیل بحران است، به آنچنان دور باطلی می کشاند که جز گسترش دامنه بحران، و ادا مه وضع انفجار آئین کشونی که مالا تمامیت سیستم موجود را به ورطه سقوط می کشاند، نتیجه دیگری در منصفه ۲

ورشکستگی رژیم

ریا کاری استاند ار کردستان

در منصفه ۵

« زنده باد همبستگی خلقها! »

بمناسبت هفتمین سالگرد

سرکوب خلق عرب

در منصفه ۶

اطلاعیه

بیراجون از سرگردی

جوانانهای عادی

را دیو

صدای فدائیان

در منصفه ۳

کوه کومه له موش زائید! تا سهند آبستن چه باشد؟!

نگاهی به "جمع بندی مباحث کنگره پنجم کومه له"

در تاریخ دهم فروردین ماه ۶۵، کمیته مرکزی حزب کمونیست (سپه) وعده داد تا چکیده مباحث و نتایج کنگره دوم خود را منتشر نماید، اما هنوز (خرداد ماه ۶۵) به این وعده خود عمل نکرده است. کومه له نیز طی یک اطلاعیه مورخ ۶/۱۲/۶۲ در تاریخ دهم فروردین ماه ۶۵، کمیته مرکزی حزب کمونیست (سپه) وعده داد تا چکیده مباحث و نتایج کنگره دوم خود را منتشر نماید، اما هنوز (خرداد ماه ۶۵) به این وعده خود عمل نکرده است. کومه له نیز طی یک اطلاعیه مورخ ۶/۱۲/۶۲

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش نوده ای

در منصفه ۱۷

۳ خرداد

و

شباب در استحاله

در منصفه ۹

حزب دمکرات

و

"جبهه دمکراتیک"

ضد امپریالیستی

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران، تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی را یک ضرورت تاریخی قلمداد نمود و از رهبری حزب خواست در این راه پیشقدم گردد و کوششهای لازم را بعمل بیاورد. پس از انتشار قطعنامه های مربوط به کنگره هفتم حزب، اینسار یکم در جبهه دمکراتیک شماره نشریه "کردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات در مقاله ای تحت عنوان "جبهه دمکراتیک"

در منصفه ۸

هه موو میله ئیک مافی دیاری گردنی چاره نویسی خوی هه یه

جنگ، متعل رژییم
قربانگاه توده‌ها

ندارد. اما رژیم، نجات خود از وضعیت غیرمتعادل و ناپایداری گشونی را، در جنگ و تشدید آن می‌بیند. از اینرو بی آنکس کمترین موفقیتی در جبهه‌های جنگ نمی‌باشد و با شدویا آنکه چشم‌انداز روشنی در تداوم آن دیده‌شود، صرف آنکه بقاء خود را در ادامه جنگ می‌بیند، بر دامنه آن می‌افزاید و شکست‌ها و ناکامی‌های و در این زمینه نه تنها مانع تداوم آن نیست، بلکه خود زمینه‌ای است برای پافشاری هر چه بیشتر رژیم بر آن.

رژیم جمهوری اسلامی بطور کلی در سراسر طول جبهه‌ها، از شمال تا جنوب، نتوان از این بوده‌است که جنگ را به شکل مطلوب خود پیش برد. در جبهه جنوب، و پس از تصرف "فاز" نه تنها هیچگونه پیشرفتی نداشته، بلکه دائماً با شکست‌ها بی دربی روبرو گردیده‌است. بدنیال عملیات مفتضحانه والفجر، که تلفات بسیار سنگینی به رژیم وارد آمد، بسیاری از نقاطی را که قبلاً در تصرف خود داشت از دست داد و نیروهای رژیم در این منطقه بیشتر در یک حالت دفاعی بسر می‌برند. در جبهه میانی یعنی منطقه فکه تا مهران نیز، معادلات جنگی به زیان رژیم بوده است و چشم‌انداز امید بخشی برای او نمی‌گشاید. جنگ در شهرها و بمباران مراکز اقتصادی و غیره نیز نیازی به توضیح ندارد که شدت به رژیم لطمه وارد نموده‌است. اما تمامی این موارد و تبعاتی که دزبی داشته‌است، نه تنها موجب آن نگشته‌است که رژیم دست از جنگ بردارد، بلکه بر عکس، خود آنچنان شرایطی را فراهم نموده‌است که رژیم با تمامیت وجود و اتکاء به کلیه امکانات خود، بر ادامه آن تاکید ورزیده‌است. اطلاعاتی‌های بی دربی ارگان‌های مختلف رژیم برای سربازگیری و بسیج اجباری نیرو، اعزام اجباری کارگران و کارمندان تعقیب و دستگیری جوانان در کوچه و خیابان، نشانگر این واقعیت است که رژیم بر آنست، تا کلیه امکانات یا لاقوه و یا لافل را به خدمت جنگ درآورد. بخنان سران رژیم و فرماندهی نظامی، تسلیحات بسی انتخاب در نمازهای جمعه و غیره، به آنگار ترسین نکلی بیباگر آن است که

رژیم به قیمت فشار هر چه بیشتر بر توده‌ها مردم ایران پای آخرین مراحل حیاتی و ماباتی خود رفته است. اقتصاد و سیاست و همه چیز را در خدمت جنگ قرار داده‌است. امروز تمامی بخشها و نهادها، جامه تحت الشعاع جنگ قرار دارد. اختصاص هزینه‌های سرمایه‌آور، تبلیغات مکرر رژیم برای بسیج نیرو و کانالیزه کردن بخشهای از تولید داخلی در جهت تولید و نائل نظامی و تسلیحاتی، همه و همه گویا این واقعیت است که سران رژیم در پی حفظ منافع خود که در اساس منافع ملی توده‌ها است و برای بقاء سیستم بیوسیده و ورشکسته موجود، به آخرین دست و پا زدنهایشان روی آورده‌اند. تلاشهایی که در عین حال موجب رشد هر چه بیشتر نارضایتی توده‌ها است و سقوط قطعی رژیم را نزدیک و نزدیک تر می‌کند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در کردستان نیز سعی داشته است با تبلیغات مستمر و سازماندهی شده، سیاستهای ارتجاعی خود را پیش برد. تکیه بر روی ارگانهای مختلف رژیم و استفاده از این ارگانها و یا ایجاد نهادها و مشابه برای تبلیغ جنگ و ادامه آن، یکی از شیوه‌های برجسته‌ای بوده‌است که رژیم در ابعا بسیار گسترده‌ای به آن دست یازیده‌است.

مشاعقب تشکیل سمینار "لسیک یا امام" در اواسط فروردین ماه و بر اساس رهنمودهای آن، تشکیل "سادهای جنگ" در تمامی استانها برای تامین نیرو و امکانات جنگ، و یا به زعم سردمداران رژیم، سازماندهی و هدایت توده‌ها به سوی جبهه‌ها، در دستور کار رژیم قرار گرفت. در همین رابطه، کردستان نیز اخیراً شاهد سمینارها، گرد هم آیی‌های ارگانهای مختلف، سخنرانیها و مباحثه‌های مبره‌ها رژیم بوده‌است. رژیم با تبلیغ از طریق ارگانهای رنگارنگ، همچون "کمیته تبلیغات جنگ"، "سادهای تبلیغات جنگ"، شوراها و اسلامی، نمازهای جمعه، فرماندهان نظامی، استاندار و فرمانداران و غیره، تلاش نموده‌است تا توده‌ها را متدیژ کردستان را برای جنگ ارتجاعی بسیج کند و کلیه فعالیتهای یک چنین نهادها را در راستای تامین نیازهای جنگ و اهداف جنگ طلبانه هدایت نموده‌است. مضمون دیگریک چنین تبلیغات برداشته‌ای تحمیق و تریب توده‌ها و استعساده روشهای رباکارانه برای به اصطلاح

صرفه‌جویی و یا کم‌صرفی و غیره بوده‌است، که در عین حال افلاص و ورشکستگی رژیم را نیز در بر داشت.

وقتی که از استاندار کردستان در مورد هدف سمینارهای شوراها و اسلامی که در سطح استان و شهرستانهای کردستان برگزار گردیده‌است سؤال می‌شود، او می‌گوید: "پس از فرمان امام مبنی بر حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنگ، جهاد سازندگی اقدام به برگزاری شوراها و اسلامی در شهرستانها و بخشهای تسایع استان کردستان نمود"، "در سمینارها که ظرف مدت یک روز برگزار شد، فرماندهان محترم سپاه شهرستانها، واژه محترم جمعه، فرمانداران و بخشداران گرامی همه صحبت کردند، صحبتهایشان تماماً حول محورهای جنگ، ضرورت حضور مردم در جنگ و چگونگی و نحوه مشارکت مردم

و شوراها در جنگ مطالبی عنوان شد که مجموعاً بسیار مفید و موثر بود" (۶۵/۳/۱). "کمیته تبلیغات جنگ" استان کردستان، با حضور مقاماتی چون قائم مقام ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، مسئول هماهنگی کمیته‌های تبلیغات جنگ، استاندار کردستان، امام جمعه سنندج، فرماندهان نظامی و غیره تشکیل جلسه میدهند و از جمله در مورد اتخاذ روشهای تبلیغی بهتر و مناسب‌تر در امور جنگ و جبهه‌ها، صحبت می‌گردد و به کارگیری شیوه‌های جدید نیز مورد بررسی واقع می‌شود و نهایتاً استفاده از روشهای تبلیغی جدید، همچون تشکیل شبانگاه، موزه، و یا اجرای تاروشما یشتا مندر رابطه با جنگ نیز در دستور قرار می‌گیرد. "کمی بعد"، امام جمعه، اعضا هیئت امنای جمعی دیگر از مسئولین سنندج با حضور استاندار کردستان تشکیل جلسه میدهند و طی آن چگونگی مشارکت توده‌ها در جنگ مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد و از جمله برای نکته تاکید می‌شود "در کس

که توان بدست‌گیری اسلحه‌ها را بدیابد به جبهه برود و در غیر این صورت تا می‌تواند از نظر مالی و تسلیحاتی جبهه‌ها را تقویت کند".

در همان زمان سمینار دیگری مرکب از امام جمعه و فرمانده سپاه پاسداران و مسئول بسیج و یک سری نیروهای تازه آموزش دیده "لسیک یا امام" در شهر قروه تشکیل گردید، که طی آن سربا دانشمن گرداسنای ریزه‌جهت استخراج ربا، اسن



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرامون از سرگیری برنامه های عادی رادیو "فدائی فدائی" کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

چهارماه پیش هنگامیکه حمله مسلحانه باند توطئه گر مصلحی مدنی - حمادشیبانی به مرکز فرستنده رادیویی سازمان به شکست انجامید، اما در اثر دخالت خودسرانه اتحادیه میهنی کردستان ظنین پرخروش فدائی وقتا از حرکت باز ایستاد و امکانات رادیویی سازمان توسط اتحادیه میهنی کردستان به تاراج برده شد، ما خطاب به مدینه کارگر و عسکرم توده های زحمتکش مردم ایران گفتیم که علیرغم تمام تلاشهای مذبحخانه بورژوازی، فدائی فدائی یاردهمگر فعالیت خود را آغاز خواهد کرد و نقش آگاهگرانه خود را از سر خواهد گرفت. چنین نیز شد. یکماه پیش در اوایل اردیبهشت ماه فدائی مجددا فعالیت خود را با بخش نشریات سازمان آغاز نمود. اما از سرگیری برنامه های عادی رادیو، به رفع نواقص فنی آن منوط گردید. اکنون پس از رفع این نواقص به اطلاع عموم توده های مردم زحمتکش ایران میرسانیم که از تاریخ پنجم خردادماه فدائی فدائی برنامه های عادی خود را از سر خواهد گرفت. برنامه های فدائی هرروزه از ساعت ۸/۳۰ شب روی موج کوتاه ردیف ۶ متر بخش خواهد شد. همین برنامه روز بعد در ساعت ۶ با مدت و همچنین در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر تکرار خواهد شد. و از تاریخ دهم خردادماه برنامه های فدائی روی موج کوتاه ردیف ۷ متر بخش میگردد. از سرگرفته شدن برنامه های عادی رادیوی سازمان یکباردیگر این واقعیت را به همه نشان داد که علیرغم تلاشهای ارتجاعی و مایوسانه بورژوازی، هیچ عاملی قادر نیست ما را از ادامه فعالیت باز دارد. مادر جیت تحقق آرمان طبقه کارگر یک لحظه از پای نخواهیم نشست.

بورژوازی هرآنچه بر شدت تضیقات و فشارهای خود علیه ما کمونیستها بیفزاید، ما را سختتر و بیگیرتر به مبارزه ادامه میدهم و استوارتر از همیشه در جهت آگاهی و تکمیل و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران تلاش میورزیم. تاریخچه سراسر مبارزه حاسی فدائیان خلق نشان داده است که کشتار، اعدام و به بند کشیدن هزاران تن از رفقای ما نتوانسته است لحظه ای در مبارزه سازمان ما وقفه ایجاد کند.

هر تلاش ارتجاعی بورژوازی برای ضربه زدن به سازمان و بازداشتن آن از مبارزه با فداکاری و از خودگذشتگی رفقای ما خنثی شده است. علیرغم سرکوبهای مداوم و ممنوعیت مستمر فعالیت سازمان توسط مرتجعین، سازمان ما در دشوارترین و سخت ترین شرایط، به وظائف انقلابی خود عمل کرده است. این واقعیت را حتی مرتجعین نیز دریافته اند. از همین روست که اکنون مدتی است نوام با سرکوب، بدروشها و شیوه های دیگر نیز متوسل گشته اند. چاب و بخش نشریاتی با استفاده از آرم و نام سازمان با بمنتظور بدام انداختن هواداران سازمان توسط رژیم جمهوری اسلامی ویا به قصد ایجاد ابهام و سردرگمی در میان توده های مردم توسط بورژوازی ایورزیسیون و عوامل رنگارنگ آنها در زمره شیوه های دیگریست که بورژوازی علیه سازمان بکار گرفته است، اما چنین شیوه های دیگر کار ساز نبوده و نیست.

شکست تلاشهای فدائی انقلابی مجاهدین خلق در ایجاد یک سازمان دست نشانده بنام فدائی که جز رسوایی و بی اعتباری هر چه بیشتر چیزی عاید آنها نساخت بیانگر این حقیقت است، این شکست در عین حال درس عبرتی است برای امثال حزب دمکرات کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان که آنها نیز تلاش کردند از طریق باند مزدورخاشن و خود فروخته مدنی - شیبانی، یک سازمان دست نشانده با یک ارگان ساختگی وقلابی بنام "شورای عالی سازمان" ایجاد کنند و حتی از فرستنده های رادیویی خود از طریق این مزدوران، بنام سازمان برنامه رادیویی بخش کنند. شکست همه این تلاشها قطعی است چرا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با یک خط مشی انقلابی در جنبش شناخته شده است و هواداران سازمان که کمترین آگاهی به مواضع سازمان داشته باشد سربا این سازمانهای قلابی و ساختگی دست پرورده بورژوازی را خواهد شناخت. بورژوازی حتی با توسل به این شیوه ها نیز قادر نیست ما را از ادامه راهی که در پیش گرفته ایم باز دارد. مادر مبارزان خود بیگیر و مدمیم و همه تلاشهای بورژوازی را نقش بر آب خواهیم ساخت.

اکنون وظیفه فعالین و هواداران سازمان است که سر سخت تر و بیگیرانه تر از گذشته به وظائف انقلابی خود عمل کنند، مواضع سازمان را بیش از پیش در میان توده های مردم تبلیغ کنند، نشریات سازمان را هر چه گسترده تر توزیع نمایند، ساعات و طول موج رادیو را به اطلاع همگان رسانند. ما ارسال اخبار و گزارشات، رادیو را در امر پیشبرد وظائف انقلابی ماری رسانند و تشکلات فدا انقلابی بورژوازی را خنثی کنند. بورژوازی سرشوش دیگری جز شکست در پیش ندارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سرقرارد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجم خرداد ۱۳۶۵

جنگ، متعلل رژیم

مرزی تا شید گردید. مخزودیکر شهرهای استان کردستان نیز شاهد بزرگزاری یک چنین حملات و تملیفات می بوده است. اسباب گسترده تملیفات مدسوحانسه رژیم در این زمینه، و پیش برد امور تملیفی با برنامہ و سازماندهی شده رونق تراکمیت تبارم و تشدید جنگ برای رژیم در این مرحله است. رژیم همه تران خود را برای وادار ساختن نوده منسا به "مشارکت" در جنگ و تامین نیازهای جبهه ها بکار گرفته است. این کوششهای سیستماتیک رژیم کدازگانال ارگانهای مستعد او پیش برده می شود در عین حال نشانگر این واقعیت است که رژیم نتوانسته است توده های خلق کرد را مطیع سیاستهای خود سازد. سازماندهی این تملیفات کم سابقه و بی خدمت گیری ارگانهای جوراجور، توام با ریاکاریهای مزدوران کهنسی در تحسین و فریب توده ها دانته اند یک روی همان سگهای است که، بر روی دیگر آن، سرکوب های خشن و بیرحمانسه نقش بسته است.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، در راستای سیاستهای جنگ افروزانه واهدات ارتجاعی خود، بر فشارها و تملیفات قبلی خود نسبت به زحمتکشان خلق کرد شدت بخشیده است. این رژیم به مسازات تملیفات شبانه روزی خود، سیاست سرکوب رادریهند کردستان پیش برده است و سوار بر بعنوان سیاست اصلی و محوری خود جهت بر آوردن خواستهای ارتجاعی اش از خشن ترین سرکوب ها سرد جسته است. بسوت اخبار درج شده در همین شماره رنکای کل نیز گریای این واقعیت است که سرکوب، روش اصلی رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی - همچون تمامی رژیمهای سوززوازی - درقبال توده ها است و بر این زمینه اساسی ترین خواست رژیم در این برهه، تامین نیروهای مادی برای حیه های جنگ ارتجاعی است. از همین رو است که کماکان تلاش در جهت پیشبرد سیاست ارتجاعی بر بازگیری و تملیج اجباری توده های خلق کرد، هدف شرایط

زور و فشار در سرتوجه برنامہ های رژیم قرار دارد.

بافتاری رژیم، برادامه جنگ ارتجاعی، تملیفات مداوم و پیردامنه و اعمال زور و سرکوب، طبعادر کردستان نیز با بیای دیگر نقاط ایران پیش برده شده است. در جبهه شمالی جنگ ایسران و عراقی یعنی کردستان و به ویژه در مناطق پیرانشیر و حاج عمران، با کمال امکانها و جنگ افزار و نیروهای انسانی تازه نفس، رژیم بر شدت جنگ در این منطقه افزوده است. تملیفات بی وقفه رژیم بیخاطم استفاده از امکانات گسترده ترومیج نیرو برای اهداف توسعه طلبانه رژیم، حاکی از آن است که منطقه کردستان نیز در معادلات جنگی رژیم با عراق، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دست پخت اخیر بران رژیم برای اهالی زحمتکش منطقه، تشکیل گردانهای جنگی ویژه ای با نام "گردان قائم" بوده است که برای استقرار در کردستان و در نزواحی مرزی ایسران و عراق آموزش دیده اند.

روشن است که نتیجه طبیعی این ترندها و شیوه ها، اعمال فشار هر چه بیشتر بر توده های زحمتکش و مستعدیده این منطقه است. دمه ها تن از مردم زحمتکش مناطق پیرانشیر، سردشت و غیره در هفته های اخیر کشته و بیارخمی شده اند، بسیاری از روستاها در معرفی بمبارانهای هوایی ویا توپ و خمپاره باران قرار گرفته اند. خانه ها و اماکن سکونی بدکلی و پسران کشته و تعداد کثیری از اهالی ایمن مناطق آواره گشته اند و بسیاری از روستاها به کلی خالی از سکنه گشته است. مزدوران، در تملیج اهداف ارتجاعی و ضد مردمی رژیم، بسیاری از روستاهای مناطق بانه، سردشت، سنندج، مریوان، سنزودیکر شهرهای کردستان را بسرای سر باز گیری و تملیج اجباری سورد مجرم قرار داده اند. روستاهای متعددی که محاصره نیروهای رژیم در آمده و سرکوبگر برای شکار جوانان بدختش و خانه گردی برداختند، برخی از روستاها، روزهای متوالی در محاصره نیروهای رژیم بوده و مزدوران سامنع آمدورفت و سانسبت از رفتن توده ها به سرکارهای روزمره خود و با ایجاد انواع واقسام محدودیت های دیگر سعی در تسلیم توده ها داشته و از آنها

خواست شده است تا بدشتخ رژیم مطمح گردند. مزدوران رژیم برای سرکوب و تملیج ابیاری حداکثر تلاش خود را باار بسته و در این زمینه از تیراندازی و سر روی توده ها نیز در بختنکرده اند.

رژیم همچنان با صدور بیخشا، سواد اطلاعیه برای مغزنی مشولین قریب الدول تعیین کرد و آنان را تهدید به اتمام "خدمت" و جرمیه های دیگ، سری سلسله، خانواده های مشولین نیز در همین راستا مورد تعرض نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. زحمتکشان خلق کرد، از جوانان دیگری نیز مشول اینگونه سیاستها و سرکوبگرانه رژیم بهره اند. اخذی مانع و غارت اهالی، تحت عنوان کدک بدجسه ها همچنان در دستور کار رژیم بوده است. بسیاری از زمینداران و فئودال های کردستان، به ویژه در نزواحی پیرانشیر و اشویه توسط رژیم مطمح گشته اند. گونه امکانات در اختیار آنان تسرار گرفته است. این مزدوران مطمح با انگا به امکانات اهدائی رژیم و بدت گیری ارگانهای سرکوب او، با قلندری روستاها را اشغال کرده و بازو را بلیه ارتجاعی دهقانان از جنگ شان در می آورند و بر نیال هرگونه اعتراضی آنان را بدست بد تملیج جباری و اعزام بدستگیری جنگ ارتجاعی می کنند.

اما عمال این شیوه ها از جانب رژیم، جز روماردمردی، نابسته چندانی برای او در سر نداشتند. در اکثر موارد توده ها نسبت بداین روشها دست به اعتراض زده اند و مانع بدست سیاستهای ارتجاعی رژیم شده اند. مواردی بدست آمده ما حرکت پشیا و در حالت تعرضی گرفته و پایتگاههای رژیم را با سنگ و توب سورد عطسه اندازی توده ها اند. تشدیدات مزدوران در محاصره جوانان و اخطارهای بی دردی و سلسله و اطلاعیه های دولتی بلا اثر با سلسله مشولین کماکان از رفتن بد سرکوبی خودداری کرده و به اشکال سلسله مقابل آن مقاومت می کنند.

چنین است تصویر مختص از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم در مقابل آن در کردستان و عکس العمل توده ها در مقابل آن. کثرت دامنه سرکوب و تملیج

برای برقراری مطمحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را بد جنگ داخلی تملیج رژیم تبدیل کنی

ورشکستگی رژیم وریاکاری استاندارد کردستان

اوضاع وخامت‌بار اقتصادی که گریبان رژیم راباجان سختی هر چه بیشتری گرفته‌است، آنچنان عیان و آشکار است که، نه‌پنهان کردنی است و نه همانطور که تاکنون نیز شخصی‌شده است، درچارچوب رژیم موجود حل شدنی است. امروز بحران حاد و زمن اقتصادی آنچنان ابعاد بخود گرفته است که حتی سران درجه اول رژیم، بخود جرئت نمیدهند ترهات سابق شان "نیم‌انداز اقتصادی پروپا و پرتحرک" را تکرار کنند، چراکه عملکردهای اقتصادی دولت در سال گذشته وبازتاب آن در کردستان، و تداوم این عملکردها در سال جاری خراب تر از آن بوده است که قابل دفاع باشد ویا براساس آن بتوان چشم‌انداز امیدبخشی را تصویر کرد. بویژه، هنگامیکه تحولات اخیر در زمینه کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی، حملات هوایی رژیم عراق به مراکز اقتصادی و آسیب دیدن بخش‌هایی از این مراکز و در نتیجه ایجاد اخلال در مسدورنفت رادر نظر بگیریم وهمچنین به پیوند حیات رژیم با ارزی که از طریق فروش این کالا تا مین میشود توجه نمائیم، آنکس که ورشکستگی وافلاس رژیم آنچنان ابعاد کم‌سابقه‌ای بخود میگیرد که در چشم - انداز آتی، هیچ چیز، جز تیره تر شدن وضع رژیم، جز گسیختگی و فروپاشی، و جز اضطلال و سقوط دیده میشود.

سردمداران رژیم در کردستان، در عمق ورشکستگی وافلاس اما، این وظیفه رابه عهده گرفته‌اند تا انحطاط و بوسیدگی رژیم را از چشم توده‌ها پوینده دارند و با ادعاهای توخالی خود به فریب آنان بپردازند. اینان میخواهند چنین وانمود سازند که هیچ اتفاقی نیفتاده است و جمهوری اسلامی کماکان همه مشکلات ناشی از جنگ رابه هیچ میگیرد وعوارض آن هیچ ناثیری بر اقتصاد رژیم و وضعیت مالی او ندارد، بس شب و روز به تبلیغاتی دروین در این رمند می پردازند و آنقدر آنرا تکرار میکنند که اس امر بر خود آنها سیر مشتبه میشود. نوکران رژیم بس آنکه هدف محوری این

تبلیغات، یعنی تبلیغ برله جنگ و تا مین نیازهای مختلف آنرا یک لحظه فراموش نمیکنند، دائما در مجالس و مجالس ورادیوهای مختلف به تشخو از اینگونه تبلیغات مشغولند.

بورژوازی عموما برای مقابله با توده‌ها و برای پیشبرد اهداف و سیاستهای خود، به دو روش متوسل میشود، مرکوب علنی و آشکار، و فریب و تحمیق. رژیم جمهوری اسلامی در واقع در پی همان اهداف مرکوبگرانه از مبارزه و گول زدن آنان، با مین تبلیغات فریب آمیز دست می یازد. بر این مینا است که با یک سری وعسده و وعیدهای که هیچگونه پایه و اساسی ندارد، سعی در فریب و تحمیق توده‌ها دارد. با چنین انگیزه‌ایست که رژیم مهره‌هایش را در تعریف و تمجید از خود و از رونق اقتصادی و غیره وغیره کوک میکند.

عمال رژیم، این مهره‌های کوکی، اما آنکس که در معرض اعتراض مستقیم توده‌ها قرار گرفته و با آن روبه‌رو میشوند، نمیتوانند افلاس رژیم را انکار نمایند. چراکه اوضاع فلاکت‌بار توده‌ها، خواستهای برحق و برآورده نشده اولیه آنان آنقدر آشکار و ملموس است، کمبودها و نارسائیها آنقدر زیاد و آنچنان عیان است فشار ناشی از بحران اقتصادی رژیم و وضعیت اسف‌بار مالی او، آنقدر بر سر کرده توده‌ها سنگینی کرده و میکنند که حتی تشبیه ساعتها حرافی و گرافه‌گویی سردمداران، کمتر مین اثری بر آن ندارد که هیچ، بلکه چنین سخنانی جز رسوایی و بی اعتباری هر چه بیشتر رژیم رادر برنماید. نوکران رژیم که بطور ریاکارانه‌ای با پیش کشیدن مسائل مذهبی و سر استفاده از اعتقادات و احساسات توده‌ها، مذبحخانه تلاتی میکنند تا مسیر درست درخواستهای عینی و ملموس توده‌ها را منحرف کرده و با مثنی خزینلات همچون "عزت و عظمت اسلام" و "تبعیت از رسول اکرم" جلب رفاقت خدا " و امثالهم پاسخ دهند، به

عیان ترین شکلی بی کفایتی رژیم و در عین حال ناشی گریهای سبک مفزانه خود را به نمایش میگذارند.

در همین رابطه، اوائل خرداد ماه تا پیش یکی از مهره‌های رژیم و استاندار کردستان، همراهِ با تعداد دیگری از مزدوران دولتی، به یکی از محله‌های فقیرنشین شهر سنندج بنام محله "بهار مست" میرود و در مسجد این محل که اهالی در آن جمع شده بودند حاضر میشود تا موارد دیکته شده رابه خورد توده‌ها بدهد. مردم این محله نیز که از مشکلات عدیده‌ای رنج برده و فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند، در مسوره برخی از جنبه‌های مشکلات خود صحبت میکنند. اما آقای استاندار، بجای پرداختن به مسائل توده‌ها و مسواری که از سوی آنان عنوان شده است، آغاز به تعریف از "ماه مبارک رمضان" میکند، و تا آنجا که میتواند در مورد "فضیلت‌های این ماه" داد سخن میدهد، و در مورد "نظام الهی" که "قوی تر از همیشه روی پای خود ایستاده است سینه چاک میدهد.

نوکران رژیم که گویا عبادت کرده‌اند هر چند سقوط رژیم آنها نزدیک تر شود، به همان نسبت آنرا با شبات تر و هر چند بحران اقتصادی شدت بیشتری یافته و اوضاع رژیم در این زمینه وخیم تر شود، آنرا عادی تر جلوه دهند، به همان سیاق هر چند وابستگی رژیم در عرصه‌های مختلف اقتصادی ریشه دار تر گردد و هر چند کمتر از همیشه روی پای خود بند باشند، آنطور وانمود میشود که قوی تر از همیشه روی پای خود ایستاده و لایس مستقل تر است! او میگوید: "نظام الهی جمهوری اسلامی علی‌رغم تمامی توطئه‌ها قوی تر از همیشه بر روی پای خود ایستاده و به ارائه خدمات در سال جاری می پردازد." (گفتار رادیو سنندج ۶۵/۳/۸)

سردمداران رژیم، که از مسرط مشکلات و نارسائیهای عدیده گنج و سر درگم شده‌اند، از هر طریق ممکن برآنند تا اوضاع رژیم را کاملا نرسال و عادی جلوه دهند و رژیم منحسط جمهوری اسلامی را که کوس رسوائی و ورشکستگی آن، گوش جهان را کور نموده است، نندتیا قوی، که "قوی تر از همیشه" خوانند. استاندار مردور کردستان در

زنده باد همبستگی خلقها

بمناسبت هفتمین سالگرد سرکوب خلق عرب

نهم خرداد ۵۸، چهارشنبه سیاه، بادآور روز خونینی است که طی آن نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، به سرمدساری عوامل مزدوری نظیر تیمسار مدنی، استاندار منتخب خمینی، به قتل و کشتار توده‌های ستمدیده خلق عرب پرداختند. اینبار نیز با بی‌زوره غارت و خوریزی سلسله سرمایه را در این سرزمین تحکیم نمایند.

در این روز، کانون سیاسی فرهنگی خلق عرب آماج اصلی بنورس ارتجاع قرار گرفت، با وجود اینکه توده‌های خلق عرب با تهاجم ناکهانی مواجه گشتند اما سرعت واکنش انقلابی در آنان برانگیخته شد. از آغاز تا سرانجام علیرغم ناکامی خود و غنوق نیروهای ارتجاع در یک سلسله درگیریهای همه جانبه با جنگ و گریز بدفاع از آرمانهای تاریخی خود برخاستند. دهها تن از کارگران و زحمتکشان در میان آتش گلوله‌ها، در خاک و خون غلتیدند و ارتجاع با تسخیر مقر کانون سیاسی فرهنگی بر اوضاع مسلط گشت.

جنبش خلق عرب اگرچه با سرکوب محدود گشت لیکن اقدام مزورانه رژیم ستگر جمهوری اسلامی موجب واکنش شدید سیاسی توده‌های سراسر ایران گشت و در خوزستان نیز بر شور مبارزاتی اقشار خلق افزود.

اما آنچه مهم بود اینکه بورژوازی تازه به قدرت خزیده به مانند اسلافش، برای حفظ و حراست از امتیازات طبقاتی، به سیاست ستگری ملی توسل جست و سرکوب ملیتهای تحت ستم ایران را نیز به بخش لایحزای حاکمیت سیاسی خود مبدل نمود.

رژیم بدنبال یورتر به آزادیهای دمکراتیک در سراسر ایران، بی‌ریزه خلق کرد، ترکمن، عرب... را نیز مورد تعرض قرار داد، اما برغم اعمال کوبه جیش توده‌ها، نه تنها قادر نگشت خواستهای انقلابی آنان را منکوب نماید،

بلکه مبارزات توده‌ای بر بستر آسین خواستها و مناسبات با ویژگیهای منطقه‌ای و محلی همچنان تداوم یافت.

اگر در نخستین یورش رژیم به کردستان، نیروهای سرکوبگر در مقابل توده‌های مسلح ضربات سختی متحمل گشتند و در جریان روزهای پر تلاطم جنگ سازمانهای سیاسی ضمن حفظ آرایش سیاسی هر یک متناسب با توان و ظرفیت معینی با دخالت مستقیم در جنگ به سازماندهی توده‌های پرداختند، و با مشارکت اهالی و ساکنین شهرها و روستاها به رفق و رفیق امور نظامی، اجتماعی، قضائی و حتی معیشتی توده‌ها همت گماشتند و از همین طریق با تثبیت یکسری دستاوردها تداوم جنبش را تضمین نمودند، در خوزستان اما با وجود اینکه عناصر پیشرو خلق عرب بر بستر عینی جامعه طی سالهای متوالی و علی‌الخصوص پس از قیام به کار سیاسی فرهنگی پرداخته بودند لیکن مهمترین ضعفی که در جریان نخستین یورش سرکوبگرانه رژیم نیز خود را با تمامی ایماش نشان داد، عدم تشکل توده‌های ورهیزی واحد و انقلابی در بین توده‌های خلق عرب بود. یورش رژیم به خوزستان بر دامنه پراگندگی توده‌های انقلابی افزود و اگر کارکنان دمکراتیک در فضائی نسبتاً آزاد و در میان شور و هیجان ناشی از اعتلاج جنبش فدائریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران به فعالیت پرداخته بودند، از این پس به نحو چشمگیری تحرک مبارزاتیان را از دست دادند و عملاً در شرایط جدید که بمراتب سخت‌تر و محدودکننده‌تر از قبل بود، نتوانستند با رهبری عملی، توده‌ها را سازمان دهند.

اگر در مناطقی نظیر کردستان و ترکمن محرا بدلیل حضور مستقیم سازمانهای انقلابی کمونیستی و عملکرد آنان به مثابه یک پارامتر مثبت و موثر در رشد عنصر ذهنی حضور فعال در عرصه مبارزات سیاسی در سطح وسیعی مشاهده

میگردد، در خوزستان اما بدلیل ضعف عامل ذهنی بتانسیل سیاسی مبارزاتی توده‌های خلق عرب آنچنان که میبایست مادیت نیافت.

در خوزستان اگر چه بر بستر ساخت اقتصادی اجتماعی، تحکیم مناسبات تولید کالایی سرمایه‌داری و گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی با بورژوازی داخل و خارج اساساً از حدت و شدت مائل ملی نسبت به برخی مناطق دیگر کاسته شده است و به همین دلیل زمینه‌های رشد جنبه‌های طبقاتی در بین اقشار و طبقات بی‌ریزه کارگران همواره وجود داشته است اما، چه قبل و چه بعد از قیام کارگران فاقد نقش بالفعل رهبری در جنبش خلق عرب بوده‌اند.

عدم حضور جریانات پرولتری در جنبش خلق عرب یکی از نقاط ضعف آن بوده است در حالیکه تقویت رادیکالیسم درونی جنبش انقلابی دمکراتیک خلق عرب یک ضرورت مهم در اشجام‌یابی درونی و استحکام آن در سطح جنبش فسد - امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران بوده است، فقدان جریانات پرولتری باعث گشته است که در سالهای ششادای نه تنها علیه شیوخ مرتجع و قرون - وسطایی مبارزه‌ای جدی صورت نگیرد، بلکه این عناصر ناسیونالیست و سازشکار به بقا خود ادامه داده و در حالیکه منافع و اهداف آنان بسا آرمان توده‌های زحمتکش مطلقیتی ندارند، آنان عرصه را برآی نفوذ مذهبی و حتی تلاش برای اعمال رهبری باز بیابند.

آنچه مسلم است اینکه جنبش خلق عرب نیز صرف نظر از ضعفهای درونی خود که دامنه پیشروی آنرا محدود ساخته است تا ثباتی از تاثیرات جنبش سراسری بوده است.

رژیم ستگر جمهوری اسلامی که سرکوب انقلاب را پس از قیام در دستور محوری خود قرار داد، اگر چه تلیرغم یورشهای گسترده به جنبش ملیتهای تحت ستم و کارگران و دهقانان و ایجاد محدودیت مطلق در مبارزات آنان قادر به تشبیت خودنگشته است و اگرچه دامنه جنبش خلق عرب با نخستین یورش رژیم

در صفحه ۱۱

کوه کومه له مویش زانید! تا . . .

موضوع تازه ای که در خورا اهمیت جدی باشد در آن نخواهد یافت. "جمع بندی" منتشر شده گویای این واقعیت است که، کومه له نه تنها نتوان از برخورد با انحرافات اساسی حاکم بر پیش خود داشت، بلکه بنبر حفظ این دیدگاه، و با لایحه تزویج ایده های ناسیونالیستی اصرار میورزد.

در اصفند ماه سال ۶۴ دو کنگره بسر گزاره، کنگره پنجم کومه له، و کنگره دوم "حزب کمونیست" (سهند)، این کنگره های جدا جدا و پشت سر هم در شرایطی برگزار گردید، که برخی اختلافات جاری میسازان کومه له و سهند بر سر سیاست های عمومی شدت میگرفت و گاه هر بعضی مقالات درج شده در نشریات شان با زتاب می یافت. "کمونیست" شماره ۲۲ منتشره در شهریور ماه ۶۴ طی مقاله ای تحت عنوان "سبک کار کمونیستی؛ یک جمع بندی مجدد" برده از روی برخی از این اختلافات بر میدارد این مقاله، ضمناً اشاره به آنکه "متاسفانه این سبک کار میورود که مشمول مرور زمان شود" ویا "این مقوله (سبک کار کمونیستی) گاه صرفاً همان معنای محدود در اداری روز مره آن مدنظر قرار میگیرد... از وجود گرایش ها و "تلقیاتی" صحبت به میان میاورد که بعنوان مانع اصلی، و علیسه ایندردک (منظور دزدک از "سبک کار کمونیستی" "حزب کمونیست" ویا سهند است) صفا آراشی کرده اند. "کمونیست" ۲۲ مینویسد، "اما متاسفانه گرایش ها و تلقیاتی وجود دارند که علیه تعمیق بیشتر و بی گیرانه تدوین کار کمونیستی عمل میکنند." (تاکید از ما). در اینجا "کمونیست" سهند، بطور شکو آمیزی، "گرایش ها و" تلقیاتی را بمیان میکشد، که علیه دزدک و اوزسبک کار عمل میکنند. معلوم میشود که "فرشته نجات" اتحاد مبارزان که آمده بود و "حوزه ها، سازماندهی، منتقل، اصول صحیح عضو گیری، حاکم برسی و کنترل، مدرسه حزبی و کسار روشن حزبی را به ارمغان آورده" بود، (کمونیست ۲۲) چندان هم نجات بخش نبود است و اقرار، آنقدر با "ایدیکتسا" محسور نبوده است تا بتواند اعجاز کند! . مقاله ما شده، که ما در شماره های پیشین ریگای گل با آن سر خورد نموده ایم، در

مین آنکه بیانگرو وجود رشته اختلافات میان کومه له و سهند است گویای موارد دیگری نیز هست که بطور خلاصه موبدردک نادرست سهند و کومه له از حزب، و تنهی بودن حزب دست ما زان تا نا زحتوا است. این مقاله، که بخشی از آن در "کمونیست" شماره بیست و دو، به عنوان (قسمت اول) آورده شده است، قرار بود در چند قسمت آراشه گردد، که پس از درج همان نخستین قسمت، متوقف ماند. در هر حال مجموعه تناقضات درونی کومه له که بعنوان یک نیروی محلی با آن دست به گریبان است و همچنین تشدید اختلافات میان او و سهند که دیگر میرفت جنبه علنی بیشتری بخود بگیرد، و کومه له را بر آن داشت. و البته سهند را - که ما برگزاری کنگره اش به راه حلی دست یافته تا شاید بتواند از مضمم "نجات" یا بداند. کومه له که این بار "فرشته نجات" خود را در هیئت کنگره اش میجست، با انتشار "جمع بندی" مباحث کنگره "با وضوح تمام روشن ساخت که تناقضات درونی و انحرافات او کماکان بر جای خود باقیست و البته که با توجه به ماهیت و عملکردهای این جریان نمی توانست زائل شود.

کومه له در این "جمع بندی" هر چند که سعی فراوان کرده است با طرح "روح کلی" مباحث کنگره - بخوان کلی گویی - گریبنا خود را خلاص کند و از زمین رو "گزارش" مجمل و غیر صریحی را که دربرگیرنده جز آنچه که تاکنون از زبان کومه له شنیده شده است نمیباشد، انتشار داده است، اما خود این "جمع بندی" روشنتر تناقضات این جریان محلی است و به افشاگری بیش از پیشش ماهیت او مبدل گشته است. ما از این زاویه که کومه له با ردیگرو به نازگی یک سری موارد گفته شده و کینه شده را تا شمس نموده و بر آن تاکید ورزیده است، نگاه می

به این "جمع بندی" می افکنیم. "جمع بندی" در همان ابتدا، برنام کومه له برای خود مختاری کردستان را "چهار چوب قبولی" ارزیابی کرده است، هر چند که به غیر دقیق بودن - و سبب ارشی انحرافی بودنش ما ذما ندارد. "برنامه کومه له برای خود مختاری کردستان کماکان چهار چوب قابل قبولی برای فعالیت کومه له در عرصه جنبش انقلابی کردستان است و سندی را تا احتمالاً در جهت تدقیق آن بد بحث درونی تشکیلات گذاشته نشده است" (نقل قول ها همه جا از "جمع بندی" مباحث کنگره پنجم کومه له" است. در غیر این صورت ما خدان ذکر خواهیم کرد

از ماست)، کنگره کومه له برنام های را تا شمس میکنند که خود به غیر دقیق بودن آن اعتراف دارد و ادعا می کنند که میبایستی حول آن مبارزه بشود و لوژیک درونی مینده است! اما، کمیته مرکزی کومه له هیچ نقش فعال و هدایت کننده ای در این زمینه نداشته است. از این رو کنگره، بحث روی این "برنامه" را ضروری تشخیص نداد و از دستور جلسه حذف نمود. کومه له بدین گونه از بحث روی آن و تصریح "احتمالی" ابهامات آن عامداً ظفر رفت و در واقع برنامی مفاد آن صحه گذاشت. کومه له - چنانچه بدلیل اشتغال فکری و وجود مسائل مهمتری که "حزب کمونیست" سهند در دستور کار را قرار داده است، از این مرقافل نمائیده باشد؟! - روشن ساخت که در این زمینه بطور درستی نسبت دشبانه روح و حادت بوده است. انحرافات کومه له در برنام ماهی برای خود مختاری کردستان که کنگره کومه له همچنان بر آن پای فشرده است، جدا از انحرافات عمومی اونست. طرح مسائلی همچون "خروج خوی اشغالگر" ویا "جمهوری دمکراتیک انقلابی" و غیره در برنام ما، با فشاری کومه له بر حاکم برنام خود مختاری پیشین خود، بیانگرس آن است که کومه له امروز در قبال مسئله کردستان و مسئله ملی، تقریباً همان کومه له دو سال پیش و با حتی قبل تر از آن است. اعتراف کومه له به نیز مبنی بر اینست که این موضوع اساساً به بحث درونی تشکیلات گذاشته شده است روشن میازد که کومه له نه تنها دست بردار از منافع ویژه خود که در همان برنام قبلی انعکاس یافته است، نیست، بلکه محکم و دودستی بآن چسبیده است و مرغ کومه له هنوز هم یک پادارد! البته قصد ما در اینجا بر خورد به برنام کومه له برای خود مختاری اش نیست، برنام برخی نکات آنرا که در این جمع بندی، بطور مشخص تر و برجسته تر آورده شده است، در ادامه مورد بررسی قسرا ر خواهیم داد.

خرد دیورژواهای کومه له ای که - امروز محلی بودن آنها و این موضوع که آنان بدینا به جریانی که در چهار چوب کردستان به فعالیت می پردازند، در کسار بر همگان محرز گشته است، در لایحی جمع بندی خود و با اصرار عجیبی، میل دارند خسرد را کمونیست بخوانند، تا از این طریق رسماً توهم پراکنی نسبت به خود مرر مسابن خراست و اهداف پرولتاریا ح ایران را با

حزب دمکرات و ...

عنوان "فرزوت تشکیل جبهه دمکراتیک
فدا میریالیستی" ضمن تشریح سیاست
حزب در زمینه "وحدت" و "اتحاد نیزوها"
هدفهای برنامه‌های "جبهه" مورد نظر خود
را ارائه نموده است. تاکنون بارها از
سوی برخی سازمانها و احزاب "پوزسیو"
ایران "شعارهای وحدت طلبانه‌ای بمیان
کشیده شده است. آنان جنگلی به انحصار
کوناگون به طرح مسئله "سرنوشتی رژیم
برداخته و خواهان یک قطب قدرتمند
بوده‌اند.

واقعیت اینست که با شدت پابسی
بحران انقلابی و ورشکستگی همه جانبه
جمهوری اسلامی، اتحاد کلیه نیروهای
انقلابی و دمکراتیک در راستای انجام
وظایف بلاواسطه انقلاب تظلم ضروری
است. یک چنین امر مهمی تاکنون منجر
بدان گشته است که یکسری از نیروهای
بورژوازی و خرده بورژوازی تلاش کنند تا
برای دست پابی به اهداف خویش در پیس
فریادهای وحدت طلبانه، مرز بین خواستهای
اهداف و منافع اقشار و طبقات جامعه را
مخدوش ساخته و مآهبت سیاسی - طبقاتی
خود را نیز مستور نمایند.

"جبهه متحد خلق" حزب نشوده
و "اکثریت"، "شورای ملی مقاومت"
مجاهدین و "جبهه واحد کارگری"
راه کارگر جمگی بهانگراین تلاشها
هستند.

اما امروز کدام عنصر آگاه و انقلابی
است که نداند هر یک از این بنگاههای
ساملاتی نه تنها نمی توانند یک بدیل
انقلابی دمکراتیک برای سرنوشتی رژیم
باشند بلکه حتی نمی توانند یکبار دیگر
روپاهای "وحدت عموم خلقی" را در پیس
توده ها ا شاعه نمایند و با العموم "مردم"
را تحت یک فرمان گرفته و آنان را به
تدارا "با یکدیگر دعوت نمایند. کدام
کارگر آگاه به منافع طبقاتی اش هم
زنجیران و متحدین خود را به زیر پرچم
اینان فرا میخواند؟

رهبری حزب دمکرات از جمله نیروها
ستراین "وحدت" سرنادامن زدن به

گرایشات عموم خلقی، بیستفدم شده است تا
بدیلی ارائه دهد و جمع نیروهای
"پوزسیو" ایران را در یک "چارچوب
وسیع و منطقی بر" متحقق گردانند.
ببینیم حزب دمکرات در این باره
چه میگوید:

"طی چهل سال فعالیت سیاسی خود
... تمایل به همکاری با نیروهای مالم
و دمکراتیک کشوریکی از اصول مئی سیاسی
حزب دمکرات بشمار میرود... پسینس
از پیروزی انقلاب خلقهای ایران ...
حزب دمکرات همچنان در راه ایجاد جبهه
مشترک نیروهای دمکراتیک و انقلابی از
خود پیگیری نشان داد. در فروردین ماه
۱۳۵۹ رسماً تشکیل جبهه دمکراتیک ضد
امپریالیستی پیشنهاد شد... سازمان
چریکهای فدائی خلق در آن موقع به پیشنهاد
حزب دمکرات جواب مثبت داد... سازمان
مجاهدین علناً به این پیام پاسخ نداد.
قرار شد در ملاقاتهای بعدی اعلان برنامه
جبهه تدارک دیده شود... رویداد های
بهار و تابستان سال ۱۳۶۰ که منجر به
خروج رهبر مجاهدین از ایران و تشکیل
شورای ملی مقاومت گردید، روال طبیعی
و منطقی تشکیل جبهه را بهم زد. آنچه
پس از این تاریخ رخ داده، نیازی به
بازگو کردن ندارد... مجاهدین خلق
علیرغم تمایل ما به تقویت و گسترش
شورا و چهار سال کوشش در این راه چنان
شرایط نامساعدی ایجاد کرد که ناچار
حزب دمکرات شورا را ترک نمود."
(کوردستان ۱۱۴)

تا بدینجا حزب شمدای از تلاشهای
خود که برای متحقق ساختن طرح جبهه
مورد نظرش بکار بسته است را بیجان
میدارد، اما سخنی از اینکه طی این
سالها با چرانات سیاسی تا
کجا و بر سر کدام اهداف و
تحت چه برنامه قصد ائتلاف و وحدت
داشته است بمیان نیامورد.

آنچه روشن است، همواره حزب
دمکرات کوردستان خود را "رهبر و سازمانده"
مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی
توده های مردم کردستان ایران قلمداد
کرده است و شعار استراتژیک خود،
دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای
کردستان را مآه سیاست ائتلافی اش قرار
داده است.

اما عملکرد سیاسی حزب دمکرات
طی این سالها بزوروشنی آشکار ساخته است
که این حزب با ماسادارای چه درکی از
خواستهای دمکراتیک فدا میریالیستی
توده های مردم کردستان که بی طرز لایتنکی
دراماسی ترین وجود خود با خواستهای
خلقهای سراسر ایران دارد، بوده است.
تا کجا بر توده ها و اراده آنان اتکال
نموده و به مضمون شعار استراتژیک خود
که بعنوان یک شعار اساسی مینبایست
پایه وحدت عمل او با چریقات و موثلفین
مورد نظرش قرار گیرد پایبند است.

اگر در سال ۵۹ سازمان ما، بمتابه
یک جریان قدرتمند و پیش برنده سیاست
کارگری با حضور فعال خود در کردستان و
مشارکت در جنگ انقلابی توده های
زحمتکش، تاثیر بسزایی در تقویت
رادیکالیسم درونی این جنبش ایفا نمود
و از نظر عوامل ذهنی نقش مهمی را در
ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها بر
عهده داشت. با ارائه و تاکید بر
برنامه ۲۵ ماده ای گامهای موشری در
برجسته کردن جنبه های طبقاتی این
جنبش برداشت، انشباب سازمان که
انعکاس فنج یابی و تمسیق مبارزه
طبقاتی در سطح جامعه بوده تا شیر منشی
بلاواسطه خود را نیز در سطح جنبش سراسری
و منطقه ای بویژه جنبش انقلابی خلق
کرد بر جای گذارد.

تضمین سازمان بمتابه یک
سازمان کمونیستی و نیرومند سراسری
با خود رادیکالیسم موجود در سطح
جنبش را نیز ضعیف نمود و آنچنان
شرایطی پدید آمد که به تشدید گرایشات
ناسیونالیستی منجر گشت. اگر تا دیروز
فشار رادیکالیسم انقلابی باعث میگردد
حزب دمکرات به ست قطب های
بورژوازی ظاهراً هم که شده تمایل
کمتری نشان دهد، اما با تضعیف
نقش کمونیستها زمینه بروز هر چه سریع
تر و علنی تر نمایلات درونی اش فراهم
گشته و قابلیت خود را در پذیرش دیدگاهها
بورژوا فرمیستی و لیبرالی نشان داد.
ورود حزب دمکرات به شورای ملی
منا و مته پذیرش برنامه بورژوا فرمیستی
آن و "چهار سال کوشش در راه تقویت و
گسترش این نهاد بورژوازی به آشکار
در صفحه ۱۳

۳. خرداد و شتاب در استکبار

و نیروهای بورژوا و خرده بورژوا و فرمیست از سوی دیگر است که در نهایت نه در خدمت انقلاب که بر علیه آن صف آرا می‌کشند.

۳۰ خرداد نیز در شمار آن نقاط عطف تاریخی انقلاب ایران است.

فدائیان انقلاب حاکم که پس از شروع جنگ ارتجاعی به بازسازی رگانهای سرکوبگر پرداخت، آماده جنگی تمام عیار با نیروهای انقلاب و در انتظار شرایط مطلق برای سرکوب سازمان یافته بود.

در چنین شرایطی، سازمان ماکه در

مدد جبران لطافت ناشی از انشعاب خائنین اکثریتی بود، توده‌ها نیز هنوز به حاکمیت متوهم بودند و آمادگی بکارگیری سلاح برای یک قیام سراسری را نداشتند و در یک کلام شرایط عینی و ذهنی برای انقلاب فراهم نگردیده بود.

سازمان مجاهدین در خلا رهبری طبقه کارگر، میاندار گود گردید، رنگ قیامی زودرسی را با طبل میان نهی تاکتیکیهای بلا تکلیفی صدا درآورد و در غیاب توده‌ها دست بکار قیام شد و چاشنی شیرینکاریهای این سازمان در پیروسیهای کوتاه‌اشعاف دیرنامه‌ای بورژوا فرمیستی با لیبیرالها و در راس آنها بنی‌مدرت تحت عنوان "میثاق" بود.

ارتجاع حاکم نیز در شرایط باب طبع خود دست بکار گردید، موج دستگیریها اعدا می‌ها و شکنجه‌ها بالا گرفت، بیلندگوه‌ها تبلیغاتی رژیم با آب و تاب از فتوحات رژیم در سرکوبی نیروهای انقلاب دم زدند، تبلیغات وسیع و زهر آکنی علیه کمونیستها و سازمانهای مترقی و مبارز آغاز گشت، خانه‌گردی و تفتیش بسزودی بصورت یک امر عادی درآمد، اختناق و سانسور و خفتان در مطبوعات، رسانه‌ها و دستگا‌های ارتباط جمعی فزونی یافت

رژیم جمهوری اسلامی، با سرکوب عربان و سنان گسیخته، ماهیت ضد خلقی خود را بیش از پیش آشکار ساخت و در فتوای آیات عظام "و خصوما شخص خمینی به دخالت در زندگی خصوصی توده‌ها و وادار کردن آنها به جاسوسی بفتح رژیم تحت عنوان "تکلیف شرعی" هم‌دوره دست آورد چنین قیام

زودرسی بود.

آری! حاصل اتحاد چنین سیاستی که یک پای آن مجاهدو "ملیشیای" ما چرا -

جو بیکیای دیگرش بنی‌مدروفلاخی و دیگر نوکران بورژوازی بود میبایست به چنین فرجامی بیانجامد، سیاسی که محدود به ۳۰ خرداد نباشد و تحت عنوان "دبلماسی -

انقلابی" به نزدیکی و ایجا در روابط سازمان دول مرتجع منطقه و نمایندگان جنا‌های مختلف بورژوازی جهان‌شاده

بافت و ماهیت طبقاتی مجاهدین را بیش از پیش عیان ساخت تا آنجا که مجاهد به اینها نیز بسنده نکرد و در ادامه همان خوش رقمیها و مشاطه‌گریها به جاسوسی علیه

سازمان ما و نیروهای مبارز و مترقیسی پرداخته و بخشی از تبلیغات ارگانهای خود منجمله فرستنده‌های رادیوئی و نشریه مجاهد را به لجن پراکنی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اختصاص داده است.

گذشته از این و سرایشها و دروغ پردازیهای بی‌حد و حصر، دست به افشاء مشخصات و هویت برخی از اعضای سازمان و چاپ عکسهای هواداران سازمان در خارج از کشور زده است.

بهر رو، آنچه مسلم است چنین سیاستهای توطئه‌گرانه و بنی‌دبلیهای از این دست، هرگز مقبول توده‌ها و بویژه کارگران و زحمتکشان نبوده و نیست.

انقلاب کارشده‌هاست و توده بدون شکل و برنامه و فاقد یک سازمان قابل اعتماد هرگز به پیروزی نخواهد رسید.

خلقهای تحت‌ستم نیز که همواره از "برکات" رژیم جمهوری اسلامی بی‌بهره نبوده‌اند، پس از ۳۰ خرداد نیز مسورد تاخت و تاز و هجرم‌های وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفتند، در همین

رابطه‌ها تا قبل از ۳۰ خرداد نیروهای انقلاب و تا شیرات جنبش سراسری مانع از آن بود که رژیم ارتجاعی جیبوری اسلامی بتواند به اهداف خود در کردستان دست بزند، اما پس از ۳۰ خرداد، بی‌وزش

همه جانبه و برنامه‌ریزی شده توسط ارتش، سپاه، جاشهای محلی و مزدوران رنگارنگ به کردستان شدت یافت، خلق مصمم کرد و فرزندان دلیرش گر چه قربانیان بیشماری را متحمل شدند و رژیم نیز توانست تا حدودی به مناطق

آراد تسلط یابد، اما با زهم مقاومت

ادامه یافت تا آنجا که مبارزات گسترسی در کردستان گواه این واقعیت است که رژیم نتوانسته است علیرغم تسلطی سرکوبیهای وحشیانه چنین خلقی را سر زیر سلطه جا برانه خود درآورد.

مادر استان ششمین سالروز ۳۰ خرداد برای این باور که تنها با سازماندهی توده‌ها و یک قیام عظیمی سراسری تحت رهبری طبقه کارگر انقلاب به پیروزی خواهد رسید همچنان پای میفشیم و در این راه

شما می‌توان و قدرت خود را بکارخواهیم گرفت و در مقابل شما می‌تواند گریه‌ها و دوز و کلکیهای بورژوازی و عراسر

رنگارنگ آن که سعی در حفظ نظام موجود در اشکال مختلف آنرا دارند خواهیم ایستاد و آنچه که ما را در انجام رسالت

یاری خواهد داد، نه‌ز دوینده‌های پشت پرده و وریا کارانه، نه شائنا و زبانشی و ساپوتاژ و اتحاد سیاستهای سالیوانه، که استقلال طبقاتی پرولتاریا و درک

صمیم از تونمندیهای انقلاب بر بنیاد برنامه‌های منطبق بر خواست توده‌های زحمتکش، تا سرنگونی رژیم جیبوری اسلامی و برقراری جیبوری دیکراتیک خلق است.



ورزشکستگی رژیم ۰۰۰

سپس در ادامه صحبت‌های خود به خدمات رژیم اشاره می‌کند و می‌آلنی را که رژیم صرفاً احداث جاده و بهداشت و درمان و غیره نموده است به رخ زحمتکشان محله "بهار مست" می‌کشد ، سعی می‌کند که با اصطلاح هم‌توانمندی رژیم رابه لحاظ مالی مطرح کند و هم آنکه بر سر توده‌ها منت گذاشته و آن‌ها را از طرح خواسته‌هایشان منصرف سازد ، او می‌گوید: "جمهوری اسلامی هم‌اکنون در دورافتاده‌ترین شهرهای استان کردستان ، اقدام به احداث جاده و تامین آب و برق مورد نیاز مردم پرداخته و هر روز که در کردستان می‌گذرد یک میلیون و دویست هشتاد و دو تومان صرف بهداشت و درمان استان کردستان میشود..."

استاندار شیاه کردستان ، حتی سخنان چند وقت پیش نخست وزیر موسوی را در مورد بودجه سال ۶۵ فراموش کرده است ، او بخاطر نمی‌آورد که چطور در بخش هزینه‌های جاری بودجه - بنا بر ادعای موسوی - هزینه‌های جنگی افزایش یافته است و لاجرم بیشترین فشار بر بودجه عمران ، وارد گردیده است ، به عبارت دیگر ، به‌بهای افزایش هزینه‌های جنگی از بودجه عمرانسی کاسته شده است ، نتایج عملی چنین وضعیتی ، جز فشار با رژیم بیشتر بر سطح زندگی توده‌ها ، افزایش بیکیساری و ازدیاد اشتغال انگلی در بخشهای سرکوب چیز دیگری نبوده است ، رژیم جمهوری اسلامی ، امروز حتی از صرف همان مبالغ سال گذشته برای "عمران و آبادی" مناطق عاجز است ، اگر چه مشکل اساسی توده‌ها ، مشکل اساسی خلق زحمتکش و قهرمان کرد ، نه اختصاص بودجه و از این قبیل ، که مشکلاتی است ناشی از کلیت رژیم و سیاستهای او در کردستان و ماهیت بورژوازی آن ، و عملی شدن خواسته‌های برحق زحمتکشان خلق کرد بطور لاینفکی در پیوند با نطفی تمامیت رژیم و سرنگونی آن قرار دارد ، اما آقای استاندار را کاری با این مسائل نیست او همچنین

مشکلات توده‌های زحمتکش محله "بهار مست" سندیج ، که همچون زحمتکشان دیگر محلات مشابه از قبیل "مجنور آباد" ، "جمال آباد" و غیره ، مظاهر ستمگری رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با شدت هر چه تمامتر بزرگ شده ، آن‌ها را سنگینی می‌کند و زیر سایه این رژیم استثمارگر ، به فقر و فلاکت کم سابقه ای سوق داده شده اند ، کاری ندارد ، مسائلی از قبیل بیکاری ، کمبود و گران ، نبود ممکن ، نبود بهداشت و درمان و شیوع بیماری‌های گوناگون ، که اهالی زحمتکش این محلات همه روزه از آن رنج برده و با آن دست به گریبانند ، مشکلات زحمتکسانی که در بیخوله‌های مرکب از چند قطعه پلاستیک و حلبی و غیره بر می‌پوشانند ، طبیعی است که مسئله امثال آقای تابش نباشد ، این جیره‌خوار در ازای دریافت مواجبه بایستی به تعریف و تمجید رژیم ، سرکوب و تحمیق توده‌ها بپردازد ،

توده‌های خلق کردما ، لاق و - کزاقهای استاندار را باور ندارند ، آنها بخوبی میدانند که سیستم‌درمانی رژیم در کردستان و از جمله در سندیج در خدمت کیست ، همه میدانند که بیمارستان و درمانگاه و دیگر موسسات پزشکی و درمانی ، در اختیار نیروهای سرکوبگر خود رژیم است و در اساس چنین مراکزی در خدمت نیروهای سرکوب توده‌ها است ،! همچنین مردم کردستان بخوبی میدانند که انگیزه امثال شما استاندار ، از احداث جاده‌ها چه بوده است ، آن‌ها پس از بیش از هفت سال عمر نکبت با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، این نکته را خیلی خوب دریافته‌اند که رژیم برای آنکه اهداف شوم و سیاستهای سرکوبگرانه خود را آسان تر پیش ببرد ، اقدام به احداث جاده و "عمران و آبادی" های دیگری از این دست نموده است ، روشن است که تا بس پایگاه‌ها و پادگان‌ها ، تغذیه و نگهداری آنها برای سرکوب خلق کرد ، نیاز به اینگونه اقدامات شیزد داشته است ،

و اما آقای استاندار ، پس از آنکه ساعتها در مورد عمران منطقی و بهداشت و غیره به دروغ بردازی و

عوام فریبی می بردازد ، متوجه می‌شود که مخبتهای او چندان هم قانع کننده نبوده است ، تا باوری در چهره‌ها لایسی زحمتکش "بهار مست" علی‌رغم تمام سعی و زحمتهای که از فرط اشتغال توسط استاندار عنوان شده است ، کاملاً مشهود است چنین است که در ادامه سخنستان خود می‌گوید: "مردم سلمان ایسران اثبات کرده‌اند که اگر چیزی هم برای خوردن نباشد حاضر نیستند آب سردی رسول الله را پیش استکبار ببرند ، به همین دلیل در پیشگاه خدا نفت خردند که برای جلب رضایت او ، عزت و عظمت اسلام به تبعیت از رسول گرامی اسلام در برابر توطئه‌های استکبار مقاومت کرده و با مشکلات ناخفته است" (همانجا - تاکید از ما است)

جناب استاندار بالاخره از این طریق روشن می‌کند که اوضاع آنطور هم که او گفته است ، نیست و برخسسی اشکالات ناچیز نیز وجود دارد و فی - السل وضعیت مردم محله "بهار مست" سندیج و بطور کلی عموم توده‌های کردستان تحت شرایط و فشارهای متعدد موجود ، بدانگونه است که حتی ممکن است چیزی هم برای خوردن - کبیر نیاورند ، البته همین جناب استاندار پیشتر از این نیز در یک گروه هم‌آهنگی از مسئولین و امام جمعه‌های استان کردستان که در اواخر اردیبهشت ماه برگزار شد ، ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت گفته بود که "دوره در پیش داریم ، یا آنکه تسلیم استکبار شویم و تجارز را نادیده بگیریم ، که در این صورت با ما صلح خواهند کرد و در مقابل اسلام را از دست می‌دهیم ، یا آنکه از خود صبر و استقامت نشان دهیم و با مشکلات و کمبودها سازیم ..."

از اینها که می‌گذریم ، جناب استاندار بالاخره در کمال وقاحت و پرروشی و در عین آنکه از کتیبان حقایق و لایوئانی کردن ورزشکستگی رژیم عاجز است ، و همچنین بخاطر آنکه از درک و پاسخگویی به مسائل توده‌ها نیز ناتوان است و با حیثیتش چنین نقش و وظیفه‌ای را ندارد ، سست سادگی از آن می‌گذرد ، بدون کتریس در صفحه ۱۶

هرچه گسترده‌تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

کوه کومله هوش زائید! تا . . .

اقتار غیر پرولتری در هم ریخته و مخدوش سازند!

"ما (کومله) مبتنا به کمونیست های متشکل در حزب کمونیست ایران، در چهار چوب برنامه سیاست و استراتژی حزب که برنامه سیاست و استراتژی طبقه کارگر آگاه ایران است، در جهت تحقق اهداف طبقه کارگر مبارزه ما در راه پیش میبریم".

کومله خیال پرداز، آن زمان که چشم های خود را فراموشی بنده و در رویا و تخیلات شیرین برای خود ایجاد مشغولیت میکند، خود را از هر کمونیستی، "کمونیست" ترجمه میدهد، "سیاست و استراتژی خود را، "سیاست و استراتژی طبقه کارگر ایران" میخواند و مدعی میشود که "در جهت تحقق اهداف طبقه کارگر مبارزه را پیش میبرد". در یک چنین مواقعی، کومله از جمله پردازهای آتشین خسته نمیشود، و همچون پهلوانی بی حمت، "مبارزه اش را به پیش میبرد و همه چیز، بی رونق مراد است! آری کومله در واقع فقط در همان عرصه پندار بانی و اوهام برنامه طبقه کارگر را به پیش میبرد، طبقه کارگر را متهم میکند و به مثابه یک "کمونیست" میخواهد پرورزی را نیز سرنگون سازد و از آن سبتر آنکه قدرت سیاسی را نیز بیدست گرفته و "جامعه سوسیالیستی" را نیز بنا کند! او میگوید: "وظیفه کمونیست ها آگاه کردن و متحد ساختن طبقه کارگر برای سرنگونی پرورزی، بیدست گرفتن قدرت سیاسی و بنای جامعه سوسیالیستی است".

تا اینجا هیچکس جلوه کومله نسبت، او نوشته بر بال های خیال به هر جا که میل دارد سرمیکشد، یک شبه کمونیست میشود و در یک چشم بهم زدن "حزب کمونیست" میسازد و از تحقق اهداف طبقه کارگر نیز صحبت میکند! عجیب تر آنکه، شما بینده دقتان کردستان که هیچ اعتقادی بدسوسیالیسم ندارد، مگر سوسیالیسم از نوع مورد نظر خود، یعنی سوسیالیسم در نخل! - به یاد جامعه

سوسیالیستی نیز می افتد، ماکه پیش از این با نقد موافق کومله دستخورد و پس ویرنا به بورژوا - فرمیستی آنان، بسی اعتقاد ایشان را به سوسیالیسم اثبات نموده ایم، در ادامه همین مقاله نیز روشن خواهیم ساخت که این مدعیان دروغین مارکسیسم که سنگ طبقه کارگر را به سینه میزنند تا چه حد به سوسیالیسم اعتقاد دارند، به هر حال چنین است وضع کومله در عرصه رویا و جملله پردازیهای شبه انقلابی! کومله سوسیالیست تخیلی ما، جز این چه میتواند بکند؟ کومله، این "کمونیست" دو آتشه اما آنگاه که چشم های خمار آلود خود را بهم می مالد و زحمت با زکردن آنرا بخود میدارد، خلاصه نگاهی به اطراف خود انداخته و لغتی از فراز ایرها پاشیسن آمده و پای خود را بر روی زمین سفت مینهد، فقط یک اشکال کوچک و مختصر بر سر راه او تولید میشود، کومله، "کمونیست" که ظاهرا در راه تحقق اهداف طبقه کارگر "مبارزه" را "پیش" میبرد، ناگهان به مشکل بر میخورد، صحبت کومله را دادا مددیم تا ببینیم این اشکال کوچک چیست؟ او میگوید:

"لیکن هنگامیکه به عرصه کار و پرورزه خود - به مثابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - میپردازیم، با جنبش دمکراتیک ملی و پروروشنیم که طبقه کارگر و زحمتکشان کردستان در آن دخیل و ذینفع اند، ما به سنا به پیشروان طبقه کارگر موظف هستیم تا این جنبش را به گونه ای هدایت و رهبری نمائیم که منافع طبقه کارگر را (که منافع وسیعترین اقشار توده های زحمتکش نیز میباشد) متحقق سازد و کارگران و زحمتکشان کردستان و ایران را در مسأله تدریجی حالت پسرای رسیدن به اهداف خود قرار دهد".

کومله با فراست ما، با تیزهوشی دانشمندانهای، آنچنان به بردیف کردن پشت سر هم کردن کلمات و جملات کلی می پردازد، تا سرانجام هیچ چیز و شنسی نگفته باشد، کومله از حق نسیاید گذشت، در این زمینه مجارت زیادی نیز به خرج داده است، کومله با شرم خاصی از نا توانی یک خرده بورژوا، در پس این الفاظ کلی وسی مندار، کوشیده است تا دوری خود را از طبقه کارگر ایران در عالم واقعی را توجیه نموده و سنا جانشین

ساختن دقتانان کردستان - پس از کمی آرامش - بجای این طبقه، این نقیصه را جبران کند، و همچنین تلاش نموده است تا مبارزه کم عمق و محدود خود در چار چوب مسئله ملی را، همان مبارزه ریشه ای و پیر دامنه طبقه کارگر جلوه دهد.

و اما قطع نظرا ز کلی باقی حسای همیشگی که در اینجا نیز با وضوح شمسام اشکاس یافته است، کومله خود را موظف دیده است تا جنبش را "به گونه ای" هدایت کند که هم "کارگران و زحمتکشان کردستان" و هم "کارگران و زحمتکشان ایران" در مسأله تدریجی حالت برای رسیدن به اهداف خود قرار گیرند! ما فعلا روی اینکس این "شرایط مساعد" چیست؟ و کومله چگونه و با چه ابزاری میخواهد آنرا فراهم کند، و آیا آنکس منظور او از "بگونه ای" چیست؟ و چه گونه ایست؟! بحثی نمیکشیم و این کومله فرقه گرا، در همین جملات کوتاه، تلاش های خود را برای ایجاد تفاق و سی اعتمادی میان کارگران ایران، آشکارا برملا ساخته است، کومله، این فدرا لیست نیمه خجول، میخواهد یکسار برای کارگران ایران منهاز کربستان "شرایط مساعد"ی را فراهم کند، و به کارگران و زحمتکشان کردستان، او که برای خرابکاری در امر وحدت پرولتاریا عزم جزم کرده و بسه ترویج ایده های بورژواشی اهتمام میرزد، جدا کردن کارگران کردستان، از زکل طبقه کارگر ایران، در عین بدست ناسیونال لیبرالیسم کشیده میشود و این طبقه کارگر را با چنین ایده هاشی مشرب میسازد، کومله از کارگران و زحمتکشان کردستان، و "ایران" آنچنان سخن مینویسد که تو گوئی کارگران کردستان ایرانی نیستند! تو گوئی کارگران کردستان استعمار نمینوند، تو گوئی کارگر مورد بگیر برایش تقات میکنند که نام پرورزه او را استعمار میکنند!؟ خیر جناب کومله نه برای کارگران کردستان تقاتی دارد، گداسته ارکشنده عمده آنها پرورزی فارس است یا پرورزه زی کرد، و نه گرایات منحن ناسیونالیستی شما که در مسأله متفاد ما منافع طبقه کارگر ایران است، راه بجاش خواهد سرد، ناسیونالیسم تنگ نظران شما البته میبایستی با در سادت

کوه کومه له موش زانید! تا . . .

با سخ دندان شکن، افشا و طرد شود، سیاست پرولتری که در تحکیم بخشیدن به وحدت و یگانگی پرولتاریا به مثابه یک طبقه تلیه طبقه سرمایه دار تجلی می یابد، حکم میکند که مبارزه علیه هرگونه توهّم پراکنی ناسیونالیستی باشد، "منافع طبقه کارگر و مبارزه وی بر ضد سرمایه داری چپسین ایجاب میکند که کارگران کلیه ملل همبستگی کامل و بهم فشرده ترین وحدت را داشته باشند و به سیاست ناسیونالیستی بورژوازی از هر ملیتی که باشد جواب دندان شکن بدهند." (لنین - دربار حقوق ملل در تعیین سرنواخت خویش)

و اما برگردیم بر سر اصل مطلب، گفتیم که کومه له آتشین مزاج و خبا لپردازه تنگامیکه با واقعیات سر سخت زندگی مبارزاتی مواجه میشود، خود را بهتر می نماید، و گفتیم که در عرصه خیال و او هام، همه چیز، همان طور است که کومه له میخراهد، "لیکن" (این "لیکن" بقول لنین همان "لیکن" است که با "اما" میخوردن کسه میگوید "گوشا با لاترا زبیشانی نمیروید که نمیروید مطابقت دارد) در عرصه کار و بزه اش، اشکال مختصری نیز وجود دارد، همین اشکال کوچک، یعنی عرصه عمل واقعی و آنجا که نقش و ماهیت حقیقی کومه له بر زمینه آن امکان بروز یافته و عیان میشود، جایگاه واقعی او را نیز تعیین میکند، و موجب آن میگردد تا کومه له بطور موقت هم که شده دست از سر طبقه کارگر بردارد و به همان چهار چوب منافع محدود خود در کردستان بیندیشد. در واقع این عرصه عمل واقعی - و نه حوزه لغت پراکنی و جمله پردازیهای شبه انقلابی - قوی تر از هرگونه پنداری، راه را بر آن تخیلات بسپوده و سد میکند و راه را بر جایش می نشاند! حقیقت آنست که کومه له در همان "رسمه کار و بزه اش" باید شناخت و حقیقت دیگر آنکه کومه له نیز در همین عرصه است که واقعیت ماهوی خود را روشن نموده است. بر اساس مینسا کومه له آن سازمان محلی (کرد) است و همانطور عمل میکند که ما هیتا باید بکنده و به همان درجه و "ندان گونه" در جنبش دسکراسک ملی "ترکت محبوه کد چپار -

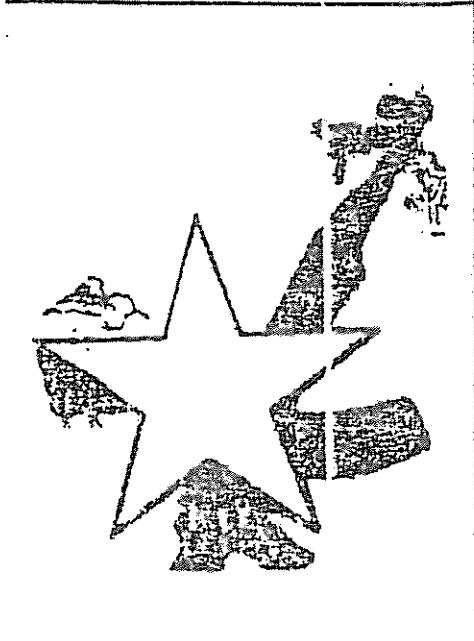
چوب سنا فتح تنگ و محدود به او اجازه میدهد، کومه له، که در اساس امر ملی و مسئله کردستان برای همبستگی دارد و در اساس عملگر و تفکر او نیز در مجموع از همین همان تنگ قرار گرفته و به نظر نمودن عبادت غیر صریحی از این دست که "جمع بندی مباحث کنگره" کومه له مشحون از آن است، در واقع امر ناسیونالیسم خود را به مثابه یکی از ویژگیهای سازمان محلی آشکارا تر میکند، کومه له با چنگ اندازی به "عرصه کار و بزه خود" و استننا جاتی که از این طریق بر آن دست یافته و ترویج میکند، میگوید تا هم "سوسیالیست" باشد هم آنکه ناسیونالیست بماند، و اما مددش نمودن تا نوسندیهایی عام مبارزه طبقاتی، با توسل به "عرصه کار و بزه" و "پا زبیر پوشش تشریف شرايط خاص چیزی جز یک ایده خورده بورژوازی نیست و تلاش کومه له جهت انطباق سوسیالیسم با ناسیونالیسم، جز تکرار نسخه های کهنه شده سوسیالیستهای روسی از زبان کومه له، چیز دیگری نیست.

کومه له در چنگال تناقضات بی انتها، بیج و تاب میخورد، و نه تنها قادر به خلاصی از چنگ این تناقضات نیست، بلکه با حرکت از نقطه نظر تا مین منافع خود - بورژوازی خود، دا شما در یک دور باطل کیچ میخورد، و از طرفی با تمام وجود یکجریا ن محلی ناسیونالیست است و از طرف دیگر، خود را "کونیست" میدانند و از آن مهمتر خود را "حزب کمونیست" هم میخوانند، و برای آنکه این دعای پوچ خود را نیز ثابت کند، با رحم به جمله پردازی روی میآورد و بد جنبش سراسری و غیره نیز گریز میزند تا هر چه بیشتر با مطلق تعلق خاطر خود را به طبقه کارگر نشان دهد، اما از انقبالی بد کومه له، این گریز نه تنها تلاشی و واجهت آنکه دیگران او را به "کونیست" بودن و علی الخصوص "حزب کمونیست" بودن باور کنند به جایی نمیرساند، بلکه برعکس، همانند آنکه این تناقضات عبت جنبه های صریحتری بخود میگیرد، به همان میزان مشت کومه له بیشتر بازمیشود و او را رسوا تر میسازد، از همینرو است که کمیته مرکزی کومه له که وظیفه نگارن "جمع بندی" بحث های کنگره را نقل نموده است، از همان آغاز به تناقض گوئی میافتد! کومه له که خود کنگره ای مجزا گذاشته است و کمیته مرکزی جداگانه ای انتخاب نموده است، خود اشکالات کتیک بی کند و وجود برنامه خود مختاری

میدهد و سراسر آنجا مهبه این موار در آن نیز خود "جمع بندی" کرده و با نام خود را شه میدهد، معتقد است (؟) که چنانچه موار در مظهره در "جمع بندی" در کنگره سیاست های صرمی حزب قرار نگیرد، جایگاه واقعی خود را ندارد! و یعنی اینکه با در هوا است؟! او میگوید: "... این مباحث در واقع باید در کنار مباحث کنگره دوم حزب کمونیست ایران و سیاستهای عمومی حزب قرار گیرد، تا جایگاه واقعی خود را بیابد."

آیا کسی پیدا میشود که این سخنان کومه له را باور کند؟ خود کومه له با اعتقاد به آنچه گفته است دارد و مهمترین آن اینست که با عمل میکند؟ کومه له ای که با نام و مشخات خود داخل حزب باقی مانده است و خواستار اینست که در کلیه مسائل استقلال عمل داشته باشد و در عرصه پراتیک شماره سعی در پیشبرد سیاستها و تالیلات خود داشته است، و در عرصه تشکیلات، مختاریت تشکیلاتی را تا آن حد پیش برده است که خود مختاری کردستان را تا حد خود مختاری خود، در درون "حزب کمونیست" شمیم داده است! با لاف و لفظا هم که شده، باید دل سپند را بدست آورد! چنین است که "مباحث کنگره" کومه له در کنار مباحث کنگره سینه جایگاه واقعی خود را میسازد! کومه له شناقض گسو و سر در گم در عمل، حرف خود را پیش برده است، در حرف به مباحث کنگره سپند اعتبار میبخشد!

(ادامه دارد)



حزب دمکرات و ...

ترین وجهی مضمون "دمکراسی" و "خود مختاری" آنرا عیان ساخت.

دوست "مهم و تاریخی" برنامه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی و "طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان" مجاهدین خلق قباله معتبری گشت تا حزب دمکرات بتواند بنا گذارده دستهای عرصه وسیعتری را در معاملات سیاسی با زیبا بد، بصرحاً آنچه هم اینک مهم است بر خلاف داعیه حزب دمکرات چه در داخل و خارج شورای ملی مقاومت، تلاشهای حزب دمکرات برای تشکیل جبهه بی نتیجه نبوده است. حزب دمکرات در شورای ملی مجاهدین خلق، "جبهه دمکراتیک ضد مبرهیا لیستی" اثر را محک زد تا اینکه در جریان گفتگوهای بنهائی و آشکار خود با "نزیه" و "مدنی" دریافت رجوی از آنچنان کیاستی برخوردار هست که امکان برای فعالیت وسیع ترو منطقی تر در شورای مجاهدین برای و باقی نگذارد. مگر در محدوده "خودگردانی" اهدافی مجاهدین به "اکراد" و تبعیت بی چون و چرای آنان از بوروکراتیسم رنگ و لعاب زده دولت موقت. به همین لحاظ پس از "چهار سال لگزش" در "شرایط نامساعدی تا چاراً حزب دمکرات شورا را ترک نمود". و امروز با سر خوردگی میگوید: "پس از انقلاب، اینک چندین سال از تلاشهای حزب دمکرات برای تشکیل جبهه میگردد" اهمیت و ضرورت "جبهه" "جبهه" حزب دمکرات را بیاد شرایط سرنوشتی شاه انداخته و او مینویسد:

"اما تا موقع قشراها مختلف جامعه در سراسر ایران برای سرنوشتی شاه بیبا خاستند، لیکن چون هدف مشترک آنها سرنوشتی رژیم شاهنشاهی بود و پس برای جانشینی آن طرح مشخصی وجود نداشت و گامی عملی برداشته نشده بود... این بار هدف هم سرنوشتی رژیم خمینی و هم نامس آلترنا تیبو با برنامه مشخص پس از سرنوشتی باشد."

این واقعیتی است انکارنا پذیر که در جریان قیام ۵۷ اقشار و طبقات جامعه در سراسر ایران "همه با هم" برای سرنوشتی شاه بیبا خاستند و در شرایط

مساعدی که توده ها در شورا نگیختگی قیام ارگان نظام سرمایه داری را تا ماچ پورش قرار میدادند به روزوازی با شمارهای وحدت طلبانه بر ماچ جنبش سوار گردید و در فقدان یک آلترنا تیبو دمکراتست و انقلابی به قدرت خزید و اینبار برخلاف گذشته قطعا امر سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی با "نامس آلترنا تیبو با برنامه مشخص" توأم خواهد گردید، لیکن حزب دمکرات نیز باید بداند، آگاه شود و روشها سیاسی توده ها و تشدیدتصا دما ت حصاد طبقاتی، شالوده "منافع متحد" و "وحدت کلمه" "همه با هم" قشار و طبقات جامعه را برهم ریخته است، اینبار اما اقتضای طبقات جامعه صف آرای بی برداخته اند و در بر تو مبارزه حاد طبقاتی جایگاه واقعی خود را یافته اند، و میبایست آن آلترنا تیبو با برنامه مشخص که جایگزین رژیم حاکم میگردد فقط و فقط ترجمان خواستهای توده های انقلابی باشد، آلترنا تیبوی که نماینده و حافظ منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان باشد.

حزب دمکرات دورا ندیش میگوید: "پس از سرنوشتی رژیم خمینی دو حالت بیشتر وجود نخواهد داشت "بنظر حزب دمکرات در حالت اول از آنجا که با کسب قدرت سیاسی توسط یک نیرو، دیکتاتوری برقرار میگردد، کشور به سوی جنگ داخلی سوق خواهد یافت، پس برای برقراری یک حالت متعارف، با توجه به تناسب نیروها "و برای محفوظ داشتن ایران از خطر جنگ و تجزیه آن، "نامس دمکراسی و استقرار پهلورا لیم سیاسی" لازم است، اضافه میکند:

"تا مس چنین پهلورا لیمی هنگامی ممکن خواهد بود که نیروی متشکل دیسر نفوذی قدم به محنه سیاسی کشور بگذارد چنین نیروی جزیبه مشترک همه دمکراتها و نیروهای اصل و انقلابی و ملی نمیتواند باشد، اما اهداف برنامه "جبهه" و نیروهای مورد نظر حزب دمکرات محتوای واقعی آنرا عیان میازد.

بورژوازی اگر در شرایط خود ویژه قیام ۵۷، در میان اوها م وحدت گرایانه در بین وسیعترین بخش توده ها با "نفی" شاه انقلاب را نیز پایان یافته اعلام داشت، در مدد برآمد تا از تعمیق و گسترش مبارزات توده ها جلوگیری بعمل آورد با حفظ نظام سرمایه داری جهت تحکیم آن نیز بکوشد. اکنون حزب دمکرات "جبهه" اش را بعنوان بدیل رژیم خمینی

علم کرده و میخواهد "دمکراسی و پهلورا - لیم سیاسی" را برقرار کند، حزب دمکرات قصد دارد تا در این "جبهه" و در سایه اهداف برنامه های نیروهای متشکل آن در خدمت ترو به مخدوش نمودن منافع و اهداف طبقات متفاد و برداخته تا به تمامایات "وحدت طلبانه و آشتی جوینانه" خود جا مه عمل بیوشا ندو از این طریق بر اهداف انقلاب آتی مبارزه و با تکیه بر شالوده نظام حاکم، دامنه مبارزات توده ها را محدود ساخته و با ردیگر با طرح ایده آل های بورژوازی، مناسبات سرمایه داری را از زیر شرب خارج نماید.

اما این که نیروهای مورد نظر حزب دمکرات از چه ماهیتی برخوردارند، از کدام سیاست و برنامه پیروی می نمایند در صف بندی انقلاب و ضد انقلاب، کدام سو قرار گرفته اند ما همچون گذشته آنها را مد نظر قرار میدهم.

حزب دمکرات در حالیکه عملکردهای ضد دمکراتیکش را شامل حال سازمانهای انقلابی در کردستان قرار داده رهبری "پیشقدم" حزب را موکلف نمود تا به منظور تحکیم هرچه بیشتر روابط دوستانه و گسترش همکاری با نیروهای "میمن پرست" به معنای خود ادامه دهد و دیرکل حزب تصریح نمود که برای متحد شدن "اپوزیسیون ایران" در یک چارچوب وسیع ترو منطقی تر از سابق حتی بختیار اگر تلنا از سلطنت طلبان فاصله بگیرد، ممکن است با وی همکاری کرد.

حزب دمکرات اما یک شرط برای بختیار و همبالیگها پیش قرار داده، پذیرش شعار سیاسی حزب، یعنی "دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" قدمی که در جهت طرفداری از اپوزیسیون سلطنت طلب برداشته خواهد شد.

حزب دمکرات که بقول خودش دهها سال برای تحقق شعار استرا تزیکش مبارزه میکند، میبایست نقطه استکاشی داشته باشد که پذیرش شعار خود را از سوی یک "تشکل وسیع تر" (بخوان اپوزیسیون بورژوازی روی بر

نافته سلطنت با بورژوازی جمهوری خواه) را مضمون دمکراتیک بودن جبهه اش و قدمی در جهت طرفداری از اپوزیسیون سلطنت طلب میداند و خواستهای تاریخی خلق کرد را در چارچوب نظامی که "پهلورا لیم سیاسی" بر آن دلالت دارد و شورش سردی

حزب دمکرات و ...

آن بر پایه چنین جبهه مشترکی بنا خواهد گشت را قابل تحقق میدانند. البته طبیعی است که حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی خود نمیتواند درکی از این فرا تراز خواستها و مطالبات برحق و تاریخی خلق کرد داشته باشد و همین اساس است که در هر زمان این یا آن جبهه و یا آلترنا تیفوها را سترای تزیک حزب دمکرات را متحقق میگردداند.

همانطور که حزب میگوید: "همچنین حزب ما آمادگی کامل دارد در باره نام و طرز فرموله کردن و مدتها و شیوه تشکیل جبهه با نیروهای ملاحظیتدار وارد مذاکره شود." و همچنین:

حزب دمکرات در شرایط خاص کنونی یکبار دیگر تشکیل چنین جبهه ای را به همه نیروهای جمهوری خواهد نمود مگر تیک پیشنهاد میکند: "همانطور که در عضویات کنگره هفتم حزب دمکرات نمایان است، شرکت کنندگان در کنگره با اشتراک رای بر سیاستهای قبیل از کنگره حزب نسبت به نیروهای سیاسی صحه گذارند. سیاست حزب دمکرات در مقابل نیروهای چون کومه له که در خصومت و جنگ با حزب قرار دارند، نیروها و شیوه مخالف حزبند ولی چون کومه له نیروهای حزب را مورد تفرقه رانیدند و نیروهای که سیاستهای حزب را می پذیرند و حاضرند با آن روابط دوستانه داشته باشند را تشبیه کرد. آنچه که آشکارا است اینگونه سیاست حزب دمکرات که آشکارا منافات با مصالح جنبش انقلابی و نائی حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی است تغییر نکرده است. پس علاوه بر نیروهای موجود در "ابوزیسیون ایران" و باندهای رگبارنگ بورژوازی همچون نژبه و مدنی و بختیار، آباطیف "نیروهای جمهوریخواه" و دمکراتیک "در برگیرنده کدام حزب یا سازمان سیاسی است؟

براستی چرا حزب دمکرات از همه این نیروهای اصیل ایرانی که سلطنت را مدفون و مزدود میدانند و رژیم خصی را نشنگ بزرگی برای ایران تلقی میکنند و در راه سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه برخاسته اند و حزب نیز حاضر به مشورت و مذاکره برای تدارک زمینه تشکیل جبهه مشترک با آنها نیست نمانی شمرده است.

آیا حزب دمکرات "مشول" این چنین خجولانه راه را برای پیوستن حزب رسوا و ضد انقلابی ننموده و اکثریت خائن در جبهه "دمکراتیک فدائیمبریا لیستی" بازنگذارد است.

حزب توده امروز از یکم دیگر نه به سلطنت "مدفون و مزدود" ذی علاقه است و نه رژیم خصی را افتخار میدانند! و از سوی دیگر خود از طرفداران پروپا قرص تشکیل جبهه و اتحاد بین "نیروهای مترقی ابوزیسیون" میدانند.

حزب توده و اکثریت میگویند: "ما معتقدیم ملیرغم تمام دشواریها، اختلاف نظرها و مشکلاتی که در راه تشکیل چنین جبهه ای وجود دارد، باید با تدبیر تمام قوا برای ایجاد آن کوشید. اختلافات موجود نباید مانع همکاری در لحظاتی سرنوشت ساز کنونی باشد."

و حزب دمکرات پاسخ میدهد!

"بینظر حزب دمکرات اهمیت تشکیل جبهه بسیار بیشتر از آنست که با فشاری بر نام و یا طرز فرموله کردن هدفها و یا اصرار بر بر برداشتن گامهای معینی در آغاز، مانع پیشروی بسوی تشکیل جبهه گردد."

حزب توده نیز امروزینا چا ز در جرگه ابوزیسیون قرار گرفته است از همینر و "مشورت و مذاکره" با این حزب نیز که شمار سرنگونی را در دستور قرار داده است خالی از نتیجه نیست.

اتفاقا حزب توده نیز بزعم خودش "خط مشی سیاسی و اهداف استراتژیکش را" در شرایط دشوار رفوق العاده بفرنج سالهای پس از انقلاب متوجه تحقق آماجهای مردمی و نهاد امبریا لیستی و تامین تداوم انقلاب نموده است و امروز خواها روزی برای آینده ایران است که "از نظر شکل جمهوری و از نظر مبسورن

ملی - دمکراتیک باشد."

بین چه فرق اساسی اهداف و پایه های "جبهه متحد خلق" حزب توده با "جبهه دمکراتیک فدائیمبریا لیستی" حزب دمکرات را از یکدیگر مجزا خواهد ساخت. صرف نظر از نام و طرز فرموله کردن هدفها که حزب دمکرات برای مذاکره حول آنان اعلام آمادگی نموده است و حزب توده صراحتا اذعان به اینکه: "برخی از سازمانهای مترقی و دمکراتیک در باره سیاست ما نظراتی داشته اند و دارند ما هم متقابلا در باره سیاستهای آنها نظراتی داریم." اما بر عطف توجه به لحظات سرنوشت ساز کنونی تاکید دارد. ما هیتا هر دو جبهه یکی هستند.

هنگامیکه در آسانی ترین و سببترین سیاستی منافیم این چنین مشترکی بین حزب توده و حزب دمکرات ایجاد گشت است، بدیهی است که آنان در مسائل تاکتیکی نیز با هم به راحتی کنار نیایند! اگر حزب توده (با مراحت) در انتخاب تاکتیکها تهرآ میز و مسلحانه فا قدرگونه جوهری است، اما حزب دمکرات علیرغم اعتقاد خود به مبارزه مسلحانه به همه اشکال مبارزه مسلحت آمیز از مقاومت و محاسنی گرفته تا تظاهرات و اعتصاب ارج میبندد در اینصورت روشن است که با این اعتقاد آخرین موانع احتمالی نیز برای این اشتلاف زایل خواهد گشت!

حزب دمکرات تصریح کرده است، هر سازمان یا نیروی اگر اهداف جبهه دمکراتیک فدائیمبریا لیستی را بپذیرد میتواند در آن، بیبندد. حزب دمکرات این اهداف را در ۴ بند فرموله نموده است. بهاینگ نگاه به این اهداف محتوای "جبهه" عیان میگردد. بی تردید این اهداف بیان موجز شعار استراتژیک حزب دمکرات کردستان است و بشکل نشرده ای خواهد شد و تماما طبقاتی آن و مؤلفین آنها را بر ملا مبارزه در بند است. شعار "سرنگونی" رژیم جمهوری اسلامی طرح گردیده است و استقرار جمهوری مستقله دمکراتیک

سخن بسیار آمده است، و لایه تاکنون درک حزب دمکرات از مسئله "سرنگونی" بطور تام و عین اقتادوی به "سرنگونی رژیم درستی"

و لایه طبقاتی

نظامی بیروزی مبارزات ضد امبریا لیستی - دمکراتیک خلقها در ایران است

زنده باد همبستگی خلقها . . .

فروکش نمود ما از آن پس آغازوند اوم
جنگ دولتین ایران و عراق تا شهرات
مهمی در محدودیت دامنه آن داشته است.
گسترش خطوط جبهه‌های جنگ در
خوزستان ، انهدام مراکز نفتی و بنادر
تجاری و موسسات و کارخانه‌ها ، رکود
بخشهای تولیدی و پروژه‌های عمرانی در
منطقه و بیکاری و آوارگی‌مدها هزارتن
از کارگران و زحمتکشان ، ناغلبین و
کارمندان دولتی، و پراکندگی آنان در
مناطق دیگر و کشتار جمعیت کشمیری از
ساکنین شهرها و روستاها نمیتوانست
منجر به این تضعیف نگردد .

رژیم جمهوری اسلامی که با چنگ
سرکوب انقلاب را دنبال مینماید ، بنا
تبدیلات اولیه و انحراف ذهنیت شده‌ها
موجی از "دفاع طلبی" را در بین توده‌های
مردم دامنه زد ، ولی با گذشت مدت زمانی
کوتاه علاوه بر سرکوب و وحشانه رژیم
و فشار ناشی از بحران اقتصادی ، کشتار
ویرانی و فقر و فلاکت و آوارگی ماهیت
ارتجایی آن در انظار توده‌ها بر ماسلا
گشت .

توهم توده‌های دفاع طلب به سرعت
فرو ریخته آنان به عینه در بافتند که در

جنگ میان سرمایه‌داران هیچ منافعی
ندارند ، کارگران و زحمتکشان نمیتوانند
از همین سرمایه‌داران بدفاع برخیزند
و منافع آنان در سرنگونی رژیم بورژوازی
است . پس از همین رو است که تاکنون
گرایش ضد جنگ و ضد رژیم توده‌ها در
یک راستا شیوع یافته و در هر زمان
انفجار و میمان توده‌های حول خواستها
و مطالبات دمکراتیک و انقلابی واحدی
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران را به
حرکت در خواهد آورد . و با لافزها کارگران
و زحمتکشان خلق غریب سرنوشتی جدا از
سایر خلقهای ایران نداشته و در جنبش
عمومی توده‌ای و جنبش طبقه کارگر
شریک و ذینفعند ، خلق عرب نیز طسی
سالیان گذشته از طرف همان دستگاه
دولتی بورژوازی تحت ستمگری قرار
گرفته است که دیگر خلقها .

دستگاهی که بورژوازی از بسدور
قیام کوشید تا با تحکیم دوپا به اساسی آن
یعنی ارتش و بوروکراسی که تضمین کنند
ستمگری طبقاتی و ملی است به حاکمیت
غارت و جپاول خودتداوم بخشد ، دستگاهی
که شرط وجودی آن تافی کلیه حقوق و
آزادیهای فردی و اجتماعی و مطالبات
دمکراتیک کارگران و زحمتکشان است .
پس از هفت سال ستمگری ، جنگ و
سرکوب رژیم جمهوری اسلامی ، تنها یک راه
در مقابل توده‌های ستمدیده ایران
قرار دارد . سرنگونی رژیم جمهوری -

اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک
خلق . تنها با یک قیام مسلحانه
سراسری . درهم شکستن دستگاه ارتش و
بوروکراسی و برقراری یک دمکراسی
توده‌ای تحت رهبری طبقه کارگر خواستها
و مطالبات دمکراتیک تحقق خواهد یافت .
طبقه کارگر در مبارزه‌اش علیه
نظام سرمایه‌داری ، این عامل ستم و
استثمار و برای تسریع در انجام تحولات
اساسی در جامعه ، حق تعیین سرنوشت و
حق جدایی همه خلقها را برسمیت می‌شناسد .
در مقابل اعمال ستمگری طبقاتی
ملی و نظمت طلبی بورژوازی حاکم
کارگران آگاه و کمونیست متعلق به
ملیتهای مختلف موظفند تا ضمن ترویج
و اشاعه روح برابری و برادری ملی
در میان توده کارگران ، همبستگی میان
خلقها و اشتراک منافع آنان را بسا
پرولتاریای سراسر ایران تبلیغ نمایند
و قدرت و تابستگی طبقه کارگر سمنوان
یگانه نیروی حقیقتا و تا باخر انقلابی
و ممتابه نیروی رهبری کنندنده انقلاب را
در عرصه مبارزه طبقاتی بنمایانند .
لازمه حصول پیروزی در این مرحله
از انقلاب ایران بر بورژوازی و اخراج
موفقیت برای درهم شکستن عامل ستمگری ،
وحدت و اتحاد کلیه کارگران و زحمتکشان
خلقهای تحت ستم ایران است . زنده باد
همبستگی مبارزاتی خلقها .

جنگ . معضل رژیم . . .

برله جنگ ، از سوتی ، برانگیختن اعتراضات
توده‌ای از سوی دیگر ، جمهوری اسلامی اما
همانطور که تاکنون مشخص شده است ،
نخواهد توانست ازین بست جنگ بیرون
آید ، تلاشهای جدید او ، بندهاشی را که بر
دست و پایش بسته شده است محکم تر خواهد
کرد . و خامت اوضاع رژیم از آنچنان عمق
و دامنه ای سرخوردار است که همه و هر
گونه اسزاری در دست او برای تعدیل
این اوضاع بی شرمی ماند .
توده‌های مردم کردستان اما در
این مسان هیچ منفعتی از این جنگ

و ادامه آن نداشته و ندارند . آنان
می‌بایستی صفوف خود را علیه سیاستهای
جنگ طلبانه و سرکوبگرانه رژیم هرچه
فشرده تر ساخته و مبارزات خود را بطور
ستحد و یکپارچه پیش ببرند ، بر دامنه
اعتراضات خود علیه رژیم بیفزایند
و تسلیم خواستها و نقشه های مزدوران
نگردند . خلق کرد می‌بایستی با حفظ
هوشیاری ، فوییکاریهای عمال رژیم را
بر ملا ساخته ، آنان را پیش از پیش رسوا
سازند .

چند سال ادامه جنگ ارتجایی
ایران و عراق و بازتاب آن در کردستان ،
تنها نتیجه اش ، سرکوب ، کشتار ، ویرانی
آوارگی و در بدری ، فقر ، گرانی و بیکاری
وده‌ها مصیبت اجتماعی دیگری بوده است .
خلق قهرمان کرد دریافتند که منافع

اونه در ادامه جنگ ارتجایی و نه در صلح
مورد دلخواه بورژوازی است ! . شورای
پایان بخشیدن بداین جنگ ارتجایی
و دستیابی به یک صلح دمکراتیک که
تأمین کننده منافع تمامی خلقهای
سراسر ایران و از جمله خلق مبارز کرد
است ، جز قیام مسلحانه سراسری
و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی راه دیگری
وجود ندارد ، تنها راه تبدیل جنسیت
ارتجایی به جنگ داخلی است رزحمتکشان
خلق کرد می‌بایستی براین مسنسا ،
مبارزات خود را در راستای مبارزات
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران بر
علیه رژیم شدت بخشد .
سی شک پیروزی آزار توده‌های
انقلابی است .

ورسکتگی رژیم و ۰۰۰

احساس ناراحتی، ازتوده‌ها می‌خواهد کدبا مشکلات و کمبودها بسازند و در مقابل شام فشارها و سنگریبه‌های رژیم دم برنیاورند، اما در همان حال شبدا نگران "آبروی رسول الله است، نامبرده ازتوده‌ها می‌خواهد که بجای کار و مسکن و غذا و غیره، به جلب رفاییت خدا مشغول باشند و قدر " عزت و عظمت اسلام" را بدانند و خلاصه تکمهای گرسنه خود را با الفاظ و ذکر و صلوات سپرکنند |

و اما خلق مبارز کرد دیگر

مدتهاست که رژیم راشناخته است، سالها است که مبارزات او برای کسب حق تعیین سرنوشت، از جانب رژیم ارتجاعی مورد خشن ترین سرکوبها واقع گشته است و امروز نیز بیش از هر زمان دیگری در معرض فشار سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی این رژیم و مصادباتی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق قرار گرفته است، رژیم استثمارگر جمهوری اسلامی، طی بیش از هفت سال کوشیده است تا با سرکوب توام با وعده و با تحمیق توده‌ها، کردستان را به نقطه‌ای امن برای خود و عرصه‌ای برای پیشبرد اهداف ارتجاعی اش تبدیل کند. زحمتکشان خلق کرد را از طرح خواستهای خود بازدارد و مبارزات

آنان را محدود و مهار کند و نهایتا جنبش انقلابی خلق کرد را نابود سازد. اما رژیم و علی الخصوص سردمداران او همچون استانبندان کردستان نیز طی سالها مبارزه انقلابی خلق کرد، با بستی دریا فته باشند که سیاستهای سرکوبگرانه آنان و صادر پیش گرفتن شیوه‌های خدعه آمیز و ریاکارانه، نه تنها کمترین خلل در اراده رژیمویانه خلق ستمدیده کرد وارد نکرده است، بلکه آنان هر روز با کسب آگاهی بیشتر و با عزمی زاسختر، برخواستهای عادلانه و انقلابی خودپای نشده و با ادامه و تشدید مبارزه علیه رژیم، سرانجام پاسخ همه سنگریبه‌ها و فریب کاریهای او را خواهند داد.

پیویان

شکستنده انقلاب ۰۰۰

است که بر اصل تشکیل حزب طبقه کارگر و سازماندهی این طبقه پای می‌نشارد. امروز، در شرایطی یاد رفیق کبیر امیر پرویز بویان را گرامی میداریم که بیش از ۱۴ سال از شهادت او میگذرد و سازمان رزمنده او، در بیچ و تاب چرخها و تنفییر و تحولات اجتماعی و علی الخصوص مبارزات انقلابی و آشکار چند سال اخیر، دوره بسیار سختی را پشت سر گذارده و در این بروسه، بیش از پیش تجربه آموخته و آبدیده گشته است. امروز سازمان ما، سازمان بویان، بیش از هر زمان دیگری

بر شکل طبقه کارگر و به ویژه بر استقلال طبقاتی کارگران تاکید می‌ورزد، از همین رو کلیه عوامل و نیروهای رنگارنگ بورژواشی مقابل کینه توزانه و همه جانبه‌ای را علیه طبقه کارگر، علیه استقلال طبقاتی او و علیه سازمان ما بنشانیگانه مدافع این استقلال طبقاتی، آغاز کرده اند.

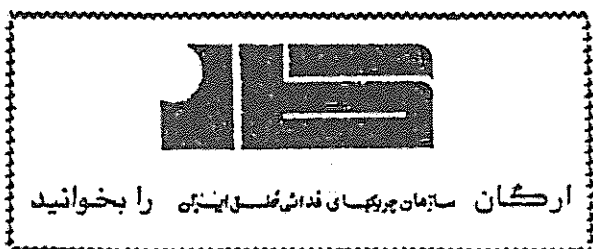
بی هراس از این حملات افسار و طبقات غیر پرولتری علیه سازمان و علیه استقلال طبقاتی طبقه کارگر، که سعی میشود حتی المقدور این طبقه را در انقیاد ایدئولوژیک خود قرار داده و به تبعیت از سیاستهای بورژواشی وادارند، و برای خدمت هر چه بیشتر به بورژوازی، در چشم کارگران خاک می‌باشند، بکوشیم تا همچون بویان، این کمونیسیت پر شور در این مفا و در این برخوردها، بیگیر و استوار باشیم و پرچم استقلال طبقاتی پرولتاریا را برافراشته نگاه داریم.

چند خبر از جنگ ۰۰۰

برای فشار بیشتر بر زحمتکشان این منطقه به خمپاره باران و توپ باران خود نیز همچنان ادامه داده و خسارات مالن فراوانی به مردم زحمتکش این روستاها وارد آمده است. تاکنون اهالی روستاها "چینا" علیا و سفلی از ترک روستای خرد سرباز زده و مفا و مت کرده اند و اعلام نموده اند که حاضر به تخلیه روستای خود نمیباشند.

اورامانات

بر اثر توپ و خمپاره باران نیرو، تک عراقی در روز ۳۰ اردیبهشت ماه چند خانه مسکونی در شهر "نه و چند" و بمران کشت و ۳ تن را افراد زحمتکش قربانی سیاستهای جنگ ارتجاعی شدند.



سخت‌کام باد پیروزند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهنالی بخش سراسر جهان

بانه

بیورش مزدوران رژیم به روستای "سبویج" که به قصد دستگیری و اعزام جوانان به جبهه‌های جنگ ارتجاعی صورت گرفت، با مقابله یکپارچه زحمتکشان روستا، خنثی گردید، روز ۲۵ اردیبهشت ماه ساعت ۹/۵ با مداخله گارد دیگه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به این روستا نزدیک میشوند، روستائیان جز هجوم وحشیانه آنان را به جوانان اطلاع میدهند و جوانان روستا که از توطئه آنان آگاهند همگی روستا را ترک میکنند. مزدوران مستقر در پایگاه سبویج با مشاهده وضعیت به سوی جوانان در حال گریز شیراندازی میکنند که در نتیجه جوانان ۱۴ ساله‌ای زخمی میشود، روستائیان زحمتکش از این عمل وحشیانه بخشم آمده و متحد و یکپارچه به سوی پایگاه برآه می‌افتند و این پایگاه را با سنگ مورد حمله قرار میدهند، سرکوبگران از وحشت و هراس به تنگنا برآفتاده و به منظور جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات مجبور به عقب‌نشینی میشوند و از سر بازگیری منصرف میگرددند.

همچنین در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیروهای رژیم شب هنگام روستای "هدواره گل" را به محاصره ذرمی آورند و بخانه گردی و تفتیش میپردازند، مردم زحمتکش روستا شروع به اعتراض نموده و با شعارهایی علیه رژیم اعلام می‌کنند، که "ما سربازی نمیخواهیم" مزدوران اقدام به تیراندازی می‌نمایند و با زور چندتن را دستگیر و همراه خود می‌برند.

در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه نیز روستای "بوشین سفلی" محاصره می‌گردد اما اعتراض گسترده روستائیان آنها را وادار به عقب‌نشینی می‌نماید. در همین روز به روستای "دوسنی" رفته و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و حتی والدین یکی از مشمولین را مسرود شهید قرار داده اما باز هم موفق نمیشوند، در نتیجه تمامی تلاشهای سرکوبگران ناکام می‌ماند.

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیروهای مزدور رژیم به روستای "شوی" رفته و آنرا



سربازگیری اجباری

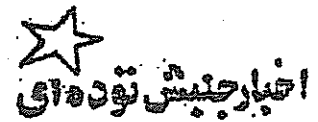
به یکی از روستاهای بخش "کهورک" سردشت رفته و پس از محاصره روستا ۷ تن از جوانان را دستگیر و به هنگام اعزام آنان به شهر با مقابله زحمتکشان روستا و علی‌الخصوص زنان روبرو میگردد، در همین بخش اقدام به دستگیری ۱۰ جوان روستائی میکنند که باز هم با مقاومت شدید روستائیان روبرو میگرددند، تعدادی از دستگیرشدگان موفق به فرار میشوند که تاکنون رژیم قادر به دستگیری مجسد آنها نشده است.

شیوه دیگر مارتا زحمتکشان در ارتقا با سربازگیری اجباری، گریز از سربازخانه رژیم است. اخیراً تعدادی از مشمولین روستاهای "نستان" و "سین" به واقع در منطقه سردشت که به اجبار به مراکز آموزشی کشیدگارس و تهران برده شده بودند، توانسته‌اند فرار کنند و رژیم نیز از مهلتا فرار روستائیان را ممنوع اعلام کرده است، آنچه که ما نیز از اهمیت است، همکاری توده‌های زحمتکش و کمکهای بی دریغ آنان به این مشمولین فراری است و رژیم برای جلوگیری از سوچ این فرارها فشارهای خود را بر خاندانهای مشمولین تشدید نموده است.

سردشت

رژیم اخیراً برای بیخ نیرو در کردستان، دیت به حمله تازه‌ای زده است روز اول اردیبهشت ماه در بخش نالان سردشت نیروهای سرکوبگر خود را به روستاهای "مزن شوی" - هدر زده و زورده - کاشی "فرستاده" و بنا به تهدید از روستائیان خواسته است که چنانچه فرزندان خود را تحویل ندهند افراد ملحق را با بدست گیری آنان اقدام خواهند کرد، از طرف دیگر مردم اطلاع داده چنانچه مشمولین خود مستقیماً به مراکز نظامی مراجعه نمایند جبهه اعزام نمیگردند، اما روستائیان زحمتکش از این جبهه جدید رژیم نیز آگاهند و این توطئه را نیز خنثی خواهند نمود.

در فتادوم سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری توده‌ها توسط رژیم، روز ۱۸ اردیبهشت ماه مزدوران جمهوری اسلامی



دستگیری جوانان انجام گرفته و با زور آنها راهی پادگانهای آموزشی نموده اند.

رژیم روبه زوال جمهوری اسلامی در سربازگیری اجباری نیز همچون سایر سیاستهای ارتجاعی اش روبه شکست نهاده و مبارزات توده ها نیز شرفشار و سرکوب شده آنها فروکش نگرده بلکه روبه گسترش است.

تسلیم اجباری

توده ها

یانه

مزدوران جمهوری اسلامی در ادامه سیاست تسلیم اجباری خلق زحمتکش کرد، به روستاهای "شیلان - ههنگه زاله - سه رندزیم - خوری تا و او و نه شور" در بخش "نه شور" و روستاهای "نار مرده - تاژان کوخما مو" در بخش "پشت ناربا" یورش برده و از مشمولین خواسته اند که خود را به مراکز نظامی معرفی نمایند، تهدید و اراغاب مزدوران تا بدان حد رسیده است که گفته اند، چنانچه مشمولین خود را تحویل ندهند، پدران شان را دستگیر خواهند کرد.

میریوان

اخیرا رژیم در منطقه سرشیو میریوان اعضای انجمنهای اسلامی روستاها را در روستای چناره "گردآورده و از آنها خواسته است که در تسلیم اجباری مردم علیه نیروهای پیشمرگ با آنان همکاری کنند، اما تعدادی از اعضای انجمن های اسلامی به این خواست اعتراض کرده و وزیر با رچنین مسئولیتی نرفته اند، تعداد کمی از این انجمنها اطلاعیه رژیم را به روستاها برده و از مردم درخواست کمک نموده اند، هرکسی پوشیده نیست که رجمتکشان خلق کرد نیز بر این رچنین ننگی نخواهند رفت و حمایت از فرزندان پیشمرگ خود را همچنان ادامه خواهند داد.

سقر

جمهوری اسلامی برای سربازگیری اجباری به هر شیوه ای متوسل می شود تا با برکردن جنبه ها از نیروهای سزور بسیج شده اش سیاست جنگ ارتجاعی خود را ادامه دهد، طرح سربازمطلب، یکی دیگر از ترندهای جدیدی است که رژیم برای کثاندن جوانان به سربازی و طریق آن ضمن فریب و تحمیل زحمتکشان از این جوانان برای مقاصد شوم خود استفاده کرده تا به اهداف ارتجاعی خود دست یابد.

در روز ۲۲ اردیبهشت ماه نیروهای رژیم به روستای "چاپان" در منطقه "تیله کو" رفته و پس از محاصره روستا تعدادی از جوانان روستا را دستگیر و روانه سربازخانه ها نموده است، روستا ثیان زحمتکش برای گریز از زنجیر جنبه ها و مقابله با این نیرنگ جدید به نقاط دیگر پناهنده شده و مخفی شده اند.

بوکان

رژیم به کلیه مشمولین منطقه بوکان اخطار کرده است تا روز ۲۸ خرداد ماه با بد خود را به مراکز و نهادهای ضد خلقی معرفی کنند تا آنان را به جنبه ها اعزام دارد، اخیرا فشارهای مزدوران رژیم، بر اهالی روستاهای این منطقه، جهت سربازگیری و تسلیم اجباری شدت یافته است.

مهاباد

جانشینانهای منگوربا هندستی با پاسداران جنایتکار رژیم به جوانان روستاها و منطقه مهاباد اخطار نموده اند، که با بد خود را به مراکز نظامی و پادگانها معرفی نمایند، در چندین روستا محاصره

محاصره میکنند، جوانان روستا که مشغول کار و تعمیر مسجد بودند با مشاهده مزدوران فرار کرده و خود را مخفی می نمایند، مزدوران با وقاحت تمام ریش بنفیدان و سالخوردهگان را به گروگان می گیرند و خطابه گستاخیکه در روستا باقی مانده بودند می گویند "مادام که مشمولین را به ما تحویل ندهید گروگانها را آزاد نمی کنیم". فردای آثرو از اعضای شورای روستای شوی در اعتراض به این حرکت وحشیانه به پایگاه نزدیک روستا رفته و خواستار آزادی گروگانها می شوند، مزدوران به آنها می گویند "شما حق باز سازی و تعمیر مسجد را ندارید و باید به جنبه ها بروید و آنجا را تقویت کنید!!" لازم به یاد آورید که قبلا همین مزدور بمردم گفته بودند می توانیم مسجد را تعمیر نمایم، اما اقدام اخیر آنها پرده از خدعه و نیرنگ آنان برداشت، زیرا که هدف مزدوران جز تجمع جوانان روستا و سپس دستگیری و اعزام به جنبه های جنگ ارتجاعی چیز دیگری نبود.

در روستای "گانی سور" (در مسیر جاده سردشت - بات) نیز مردم به اعتراض برخاسته و مانع دستگیری مشمولین میشوند اما نیروهای رژیم پس از تیراندازی به سوی مردم ۳ نفر را دستگیر و روانه پادگان می نمایند، بسیاری دیگر از روستاهای این منطقه نیز بمنظور سربازگیری اجباری مورد هجوم وحشیانه رژیم قرار گرفته اند، در روستای "سورین" سه نفر از اهالی زحمتکش دستگیری شدند که با اعتراض گسترده روستا ثیان رو برو می شوند اما مزدوران با زور آنها را با خود می برند. اهالی روستای "چی چوران" دست به اعتراض متحدانهای علیه دستگیری سه تن از زحمتکشان روستای خود زده اند.

تعداد زیادی از جوانان روستاهای "نجینی - سدبار - بوین" نیز به اخطارها و تهدیدهای رژیم وقعی نگذاشته و فرار کرده اند.

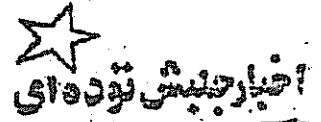
تمامی این مقامنها و اعتراضات که بدون شک برداشته آن افزوده خواهد شد نشانگر این واقعیت است که سیاست

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

تساله تریس و تیسونپی بهم

در مقام

جنبش انقلابی خلق کرد است



سندخ

دراواثل خرداد ماه سرکوبگران خلق کرد، روستاهای "مازی به نند- بوریه- نسه نار- زریزه را بجا صره درآورده و به کمک اپادای خود در این روستاها با تهدید و ارباب موفق شدند تعدادی از جوانان را میلق نمایند، در روستای "بیاران" توطئه تسلیح اجباری رژیم ناکام مانده و علیرغم منع آمد و رفت شبانه روستا ثیان و جلوگیری آنان از رفتن به "هدوار" و قطع جنگل نتوانستند به قصد شوم خود جابه عمل بیوشانند و در واقع مردم زحمتکش این روستا از مسلح شدن سرباز زده اند.

سنگز

مزدوران رژیم برای پیشبرد مقاصد ننگین خود چندی پیش به روستای "زاسن تاوا" یورش برده و ضمن داشرکردن پایگاه از مردم می خواهند که مسلح شوند و در نگهبانی پایگاه آنها را یاری دهند، مردم بداین خواست تن نداده و توطئه رژیم موقتاً ناکام می ماند، اما در یکماه گذشته مزدوران پایگاه به داخل روستا هجوم برده و مجدداً از مردم درخواست می کنند که باید برای رژیم اسلحه بردارید، مردم زحمتکش روستا اینبار بعنوان اعتراض روستای خود را ترک میگویند و به شهر سفر کرده و در جلو سپاه فدائقی تجمع می کنند و اعتراض یکپارچه و متحد این زحمتکشان تا آنجا ادامه می یابد که ضمن اعزام چند نفر به تهران ایادی رژیم را وادار می نمایند که از تسلیح آنان منصرف گردند.

سروش

مزدوران جمهوری اسلامی چند وقت پیش روستای "شسته نه بزه" واقع در منطقه با زا سردشت را توب بیاران می کنند، بر اثر این عمل جنایتکارانه یک زن زحمتکش حامله و کودکی ۳ ساله جان خود را از دست میدهند.

در تاریخ بیستم اردیبهشت بهاه شیز چند جاش رژیم به روستای بناوی در منطقه آلان میروند و ضمن جازدن خود بنام پیشمرگه به سرکوب روستا ثیان زحمتکش پرداخته و یک زن روستایی را مورد ضرب و شتم قرار میدهند، همین مزدوران فردای آذر و دودست فروش اهل "ورمان" را که برای کسب معاش به این منطقه آمده بودند در نزدیکی روستا "دیناران" دستگیری نمایند و اموال واجناس آنان را به غارت می برند.

بر اثر توب باران روستای "شهرزنده" واقع در منطقه آلان یک زحمتکش اهل مریوان که برای امرار معاش به این منطقه آمده بود جان خود را از دست میدهد، همین عمل جنایتکارانه در روستای "زیوه" موجب قربانی شدن یک کودک ۱۰ ساله و مجروح شدن دوزحمتکش میگردد، خسارات مالی سنگینی نیز به روستا ثیان وارد آمده است.

سیاست کوچ اجباری زحمتکشان خلق کرد که جدا از دیگر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی نبوده و امر تازه ای در سرکوب زحمتکشان کردستان نیست هم چنان ادامه دارد، در روزهای اخیر یکی از فرماندهان مزدور رژیم (معاون تیپ سردشت) به پایگاههای بنام مظلوم رفت و در توسط ملای روستان "سب سفلی" به مردم این روستا و روستاهای "زهره کانی" و "سردان" اعلام کرده است در اسرع وقت

روستاها ثیان را ترک گویند و به نقطه دیگری کوچ کنند، سرکوبگران خلق کرد به تهدید و ارباب زحمتکشان پرداخته و از اخطار کرده اند در صورت عدم اطاعت از "قرامین" روستاها را با توب و خمیا ره بسر آستان خراب خواهند کرد، اما زحمتکشان این روستاها به اعتراض برخاسته و به روستای "نیژوی" رفته و به مزدوران اعلام داشته اند که هرگز روستاها را تخلیه نخواهند کرد.

عین همین عمل فدائیان در مورد روستاهای منطقه "خله ره شه" و "بنا ری- سورگیو" در منطقه با نه به اجراء آمده و زحمتکشان این منطقه نیز دست به اعتراض زده اند.

ربط

روز ۲۳ اردیبهشت ماه در ساعت ۵ بعد از ظهر روستای "مین بهر" بطور سر و وحشیانه ای توسط مزدوران مستقر در پایگاههای اطراف روستا مورد خمیاره باران قرار میگیرند که یک نفر از اهالی بی دفاع مجروح میشود، و ستا ثیان و خضرماه زنان زحمتکش در اعتراض به این حرکت وحشیانه دست به راهپیمایی میزنند و با شعارهای مرگ بزرگساز، مرگ بر جاش و مرگ بر جمهوری اسلامی مزدوران را با سنگ مورد حمله قرار میدهند، مزدوران در مقابل این داویکپارچگی روستا ثیان به پایگاه خود خزیده و عکس العملی نشان نمیدهند، فردای آذر و مجدداً مزدوران رژیم به داخل روستا هجوم میاورند و به اهالی اخطار میکنند که نباید به پیشمرگان کمک و مساعدت نمایند، اما تجربه چندین سال سرکوب توسط رژیم جمهوری اسلامی این واقفیت را برای مزدوران آشکار

همچنان در بیلابلی با قیامانده اند و خطاها و تهدیدهای بین مزدوران کمترین اعتنائی نکرده اند، در روستای "دوتگه" نیز برای ششلیک چندجانش یک زحمتکش سورد هدف قرار گرفته و جان خود را از دست داده است.

در تاریخ ۱۸ خرداد ما هنوز مزدوران رژیم به روستای "خزرنای" حمله کرده و خانه مسکونی یک فرد زحمتکش را به آتش کشیده اند.

چاش نشودالهای منطقه منگور برای گریز از اعزام به جبهه های جنگ توسط رژیم دست به اقدام ردیلا نه و وحشیانه ای زده و مداران این منطقه را مورد تهاجم قرار داده، چادرهای آنان را به آتش کشیده اند، این حرکت ددمنشانه صرفا به ای منظور صورت گرفته که را تحریک کنند به اصطلاح با نیروهای پیشمرگ درگیر میشوند، برداشتن چادرهای دامداران منطقه گاشی صبر و پشت دلکش نیز در روز ۲۲ اردیبهشت ماه در همین رابطه است.

بوکان

روز ۲۲ اردیبهشت ماه مزدوران رژیم طی تهاجمی وحشیانه به محل زیست کارگران کوره پزخانه واقع در "چذکه لوره" در محور جاده بوکان - میاندوآب چنابیت دیگری آفریدند، این مزدوران ضمن حمله وحشیانه به کارگران و سرکوب آنان، دختر ۱۴ ساله ای را مورد تجاوز قرار میدهند، کارگران که از این عمل ضدانسانی بیختم میابند یک جاش را خلع سلاح میکنند، نیروهای سرکوبگرا زوحشت و هراس روقبر انقلابی کارگران بوحشت میانتند و کارگران را به رگبار می بندند، که سراندر آن ۲ کارگر بشهادت میرسد، لازم بنیاد آوری است که در تابستان سال ۶۵ شانزده کارگر در کوره پزخانه های "سدره وقتا مین" در همین منطقه توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بشهادت رسیدند.

یک جاش خود فروخته به همراه یک پاسدار فدائلی در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه به منطقه "شاله شبن" رفت و هلسبق معمول به تهدید و اراغاب زحمتکشان می برد، از این دوزخ درسیس بقدر بودن

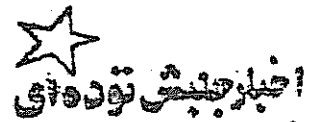
روستای "مالون" انجام گرفت. در تاریخ ۸ اردیبهشت ماه یک پیشمرگ بنام رحیم احدی پورا هل روستای "نهموله" که برای دیدار با خانواده اش به روستای "جسن" چه پ" رفته بوده به اسارت مزدوران در میا بدو در هانجا اعدام میگردد.

پیرانشهر

غارت و چپاول زحمتکشان که اسارتی برای رژیم است به شیوه های مختلف همچنان ادامه دارد، فرمانده مزدور بسیجی واقع در بایگاه "گرده سوور" با هرکس (حتی چوپانان فقیر) که بر خورد میکند محتویات جیبهایشان را خالصی میکند.

رژیم جمهوری اسلامی که بیشترش دامنه جنگ در مناطق کردستان برای سرکوب زحمتکشان بهانه مناسبی یافته است زیر لوای جنگ ارتجاعی با عراق به اقدامات جنایتکارانه خود در کردستان همچنان ادامه میدهد، از اول خرداد ماه جاری به فشار علیه زحمتکشان خلق کرد افزوده در این رابطه به مداران منطقه پیرانشهر خسارات جانی و مالی فراوان رسانده است، توپ و خمپاره بزاران روستاها توسط طرفین همچنان ادامه دارد و همزمان با این اعمال وحشیانه، چاش نشودالهای منگور - "تایچه" دشمن و تایفه شه "باهمکاری سیاه" ضد خلقی از رفتن روستائیان به بیلابلی جلوگیری مینمایند، زمین های مصادره شده توسط زحمتکشان را با حمایت رژیم و تنگجیبهای خود از زحمتکشان پس گرفته و به اینها نیز بسته نگورده و خانه های آنان را نیز بتصرف خود در آورده اند.

روز بیازدهم خرداد ماه نیز، چاش نشودالهای روستای "کاشوره دی" با همکاری حمایت پاسداران سرمایه به روستای "گروی" - قلاته رشه - گهس گهس - نه منجه و بادینای "پورش برده" و به زحمتکشان گفتند آنکه از بیلابلی ها به روستا هانجا برگردند و چنانچه تا ۲۴ ساعت دیگر مناطق بیلابلی را ترک نکنند آنها را بمباران خواهند کرد، این مهلت سه روز دیگر تمدید شد ولی زحمتکشان منطقه



باخته که هیچ تهدید و اراغابی قادر به جلوگیری از حمایت توده های زحمتکش از پیشمرگان نمیشد.

نقدن

چندی پیش نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی پس از محاصره روستای "مدمشه" به داخل روستا پورش میگردند و بدستگیری و ضرب و شتم زحمتکشان این روستا میگردانند تا بدین وسیله تمهیدی از جوانان را بزور راهی جبهه های جنگ ارتجاعی نماید، با روستائیان زحمتکش و بیوزنه زنان و دختران روستا بمقابله بر میخیزند و بدین نیروهای سرکوبگر حمله ور میشوند، مزدوران از اتحاد و یکپارچگی رنان روستا بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هواشی میکنند اما تلاشهای آنان ناکام میماند و ناگزیر جوانان دستگیر شده را رها کرده و با سرفکندگی راهی پایگاههایشان میشوند.

بانده

در ادامه فشار و تنسیقات رژیم جمهوری اسلامی، اخیرا سیاه ضد خلقی شهرک "تارمدرده" به شورا های اسلامی روستاها اغتار کرده است که طی ۱۰ روز آینسده روستائیان باید منطقه و محل سکونت خود را تخلیه نمایند، همچنین روز یازدهم اردیبهشت، در روستای "شیره دی" فردی بنام حسن بابانی که قبلا پیشمرگ بوده و بعلت فقر و تنگدستی مجبور به ترک صفوف پیشمرگان شده بود توسط جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی در برابر چشمان سهت زده زحمتکشان زن و فرزندانش تبریران شد، روز چهارم اردیبهشت ما نیز عین همین عمل وحشیانه در مورد فردی که وی شیرتلا پیشمرگ بوده در

اخبار جنبش توده‌ای

یک دختر زحمتکش وارد خانه او شده اما با مقاومت دختر و برور میگردند. مزدوران او را بهسراه خود میبرند، با تریادهای استعداد طلبانه او، بدرونی بهمراه یک زحمتکش دیگر به تعقیب این دو جنایتکار می پردازند، اما در حین تلاش برای رها ساختن دختر با رگبار مزدوران روبهرو میشوند و جان خود را از دست میدهند. اهالی زحمتکش روستای "برایم‌شاوا" که از این عمل دهنه‌تپان بهشم آمده بودند همدا با زحمتکشان روستای "تلا" به اعتراض بر میخیزند و موفق به نجات دختر از دست دو مزدور میگردند، هنگامیکه زحمتکشان بمنظور اعتراض به این عمل جنایتکارانه بهسپاه پاسداران رژیم در میان دو آب میروند، نه تنها به آنها توجیه نمیکنند بلکه در کنال وقاحت بزحمتکش میگویند، آن دوتن قصد خلع سلاح مزدوران را داشته‌اند.

سفر

یکسال قبل اهالی روستاهای "سيف" و "بورده" به "توسط رژیم کوچ داده می‌شوند و خانه‌هایشان منهدم میگردد. مردم زحمتکش این دوروستا برای بازگشتن به روستاهای خود بهسپارزه ادامه داده و از رژیم درخواست پرداخت خسارات ناشی از تخریب روستاها را می نمایند، اما به انحاء مختلف از پرداخت خسارات به زحمتکشان سربا زده شده و به آنها گفته‌اند "فقط یک چادر به هر خانواده خواهد داد (تا زنده‌انهم به شرطی که هرگاه به چادرها آسیب رسد فراموش آنرا خواهند گرفت)!! مشروط به اینکه در محلهای قبل اسکان ننمایند، اینکه رژیم با چنین شروط و شروطهای گذاشی و ریاکارانه سعی در ظفره رفتن از پرداخت خسارات وارده را نموده است حیل و شیرینگی بیش نیست و عملاً در مقابل زحمتکشان عقب نشینی نموده و چنانچه زحمتکشان این دوروستا در تحقق خواستههای خود مبرانشند بدون

شک نه تنها موفق به اخذ خسارات وارده میشوند بلکه در مطهائی سابق خود به شوسازی خواهند پرداخت.

روز چهاردهم خرداد ماه روستاها "میشی‌شاوا" و "تاش" مورد هجوم چندی هلی کوپتر رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و با راکت و مسلسل سنگین کالیبر ۷۵ داخل روستا و ارتفاعات مشرف بر آن به آتش کشیده میشود، در اثر این اقدام وحشیانه خساراتی به دو خانه وارد آمده است.

زحمتکشان روستای "شاری‌تل" در اوائل خرداد ماه جاری دست به یک اقدام انقلابی زده و زمینهای مالکین را مصادره و دسته جمعی آنرا را اختیار خود میکنند، مالکین روستا در مقابل این حرکت انقلابی به نیروهای سرکوبگر رژیم پناهنده شده و استمداد میجوینند، آنها به پاسگاه ژاندارمری زربنده رفته و روز ۱۲ خرداد ماه در شمس پاسگاه "زربنده" تعدادی از مزدوران به حمایت از مالکین به روستای "شاری‌تل" حمله و زن میشوند و زحمتکشان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند، زحمتکشان روستا متحدانه به اعتراض دست می زنند و در شمس پاسگاه و مزدوران همراهش را مجبور به ترک روستا می نمایند، روز بعد نیروهای مزدور به قصد تلافی و ایجاد درمب و هراس با پنج خودرو مجدداً به روستا هجوم آورده و تعدادی از مردان زحمتکش را دستگیر می‌کنند و به همراه خود می‌برند اما از آنجا که زخم زحمتکشان و هرگونه عکس العمل انقلابی آنان هراس داشتند آنها را آزاد می‌نمایند و بدینوسیله مجزورماندگی رژیم در مقابل مبارزه متحد و یکپارچه توده‌های زحمتکش بار دیگر به ثبوت می‌رسد. زحمتکشان روستای "شاری‌تل" با مصادره انقلابی زمینهای این مالکین عزم و اراده خود را در احقاق حقوق خود به نمایش گذاشته اند و با این حرکت انقلابی روزها پس از قیام را که خود شخما ابتکار عمل را در دست گرفتند و با پشتیبانی پیشمرگان سازمان در آن منطقه داکا‌های انقلابی را برای فشو دالها برپا داشتند در اذعان تدا می‌شوند.

مزدوران مدخلی جمهوری اسلامی که از پیش گذشته با رها اهالی روستای "زامن‌شاوا" را تهدید نموده اند که باید مسلح شوند و هر بار با نا کامی روبرو شده اند مجدداً به ارباب این زحمتکشان پرداخته و زحمتکشان به حالت اعتراض خانه و کاشانه

خود را ترک کرده‌اند.

افشار

برای پنجمین بار شب ۲۹ فروردین ماه خانه یکی از پیشمرگان خلق کرد که بشهادت رسیده است به آتش کشیده میشود و طی این اقدام جنایتکارانه ۴۰ راس از اختام و تمامی دارائی خانواده فرد مذکور طعمه حریق می‌شود.

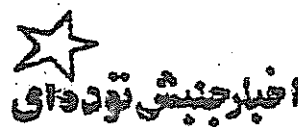
نیواندره

در پی جنایات بهشماره رژیم در کردستان، واسط اردیبهشت ماه گذشته، به اثر انفجار مین که توسط مزدوران رژیم در روستای "تینتال" کار گذاشته شده بود و جوانان جوان خود را از دست دادند و یک کودک خردسال نیز زخمی گردید. همچنین روز ۶ خرداد ماه به اثر انفجار مین دیگری که توسط مزدوران گذاشته شده بود در روستای "برایم‌شاوا" نوجوان ۲ ساله‌ای قربانی عمل جنایت کارانه سرکوبگران میشود، لازم به یادآوری است که چندی قبل یک جوان طی برخورد با مین مزدوران زخمی می‌گردد و کودک که به هنگام بازی یک مین دشمن را دیدار می‌کنند به علت عدم آگاهی و بازی با آن در دو بیجان جان خود را از دست میدهند.

زحمتکشان روستای "عمزیزناوا" واقع در بخش "هوه‌توو" پس از اعتراض یکپارچه موفق میشوند مزدوران مستقر در این روستا را وادار به برچیدن پاسگاه نمایند.

از اوائل خرداد ماه جاری رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی روستاهای "تزنه‌وتور" "شولوی"، "عمزیزناوا" در بخش "هوه‌توو" و "چولار" و "کیله‌کوه" و تیک در بخش "تیه‌ری" را به اشغال در آورده تا همراه با دشمنان دیگر با فشار و تهدید و ارباب تعدادی از این روستاها را به تنگبانی از این مقرها را با یگانها بگمارد و سیاستهای ارتجاعی خود را به پیش برد، از آنجا که توده‌های زحمتکش خلق کرد طی بیش از ۷ سال - کمیته سنگین جمهوری اسلامی هرگز در





مقابل اینگونه توطئه‌ها و رباکارها تسلیم نشده اند با آگاهی از نیات شوم و ماهیت این رژیم تبهکار و بیگانه‌های مختلف بسیار خودادامه میدهند. در همین رابطه تاکنون زحمتکشان روستای "مه‌یزنا و" موفق شده اند با مبارزه بیگمرویکبار چه خودمزدوران رژیم را از روستای خود بیرون رانند. دیگر زحمتکشان روستاهای مذکور نیز بی گمان با اتحاد و مبارزه همیشگی این توطئه رژیم را نیز خنثی خواهند کرد.

استدج

روزهای ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت ماه سرکوبگران جمهوری اسلامی به روستای "عبدالصمدی" در بخش سارال هجوم برده و ۲ روستائی اهل روستاهای دیگر را دستگیری کردند مردم روستا علیه این حرکات وحشیانه دست به اعتراض می زنند که مزدوران ناچار به آزاد کردن آنان میشوند. پس از متفرق شدن روستائیان مجدداً نیروهای مزدور رژیم دوتن دیگر را دستگیری نمایند اما با زخم با اعتراض یکبارچه زحمتکشان روستا مواجه میشوند. مزدوران ناچار این دوتن را نیز آزاد می کنند.

— رژیم جمهوری اسلامی که از هیچ گونه تلاشی در مرعوب ساختن توده‌ها فرو گذاری نمی کند دست به رجنانیتی در جهت نیل به اهداف پلیس خود می زند. در این رابطه روز ۷ اردیبهشت ماه در روستای "سوفی بله" در اثر انفجار مینتی که توسط مزدوران پایگاه مستقر در روستا در مسیر تردد زحمتکشان کار گذاشته شده بود یک جویان مجروح گردید.

— از اول خرداد ماه روستای "سرهوو" به توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به محاصره درمی آید و سرور و ریطول می‌نجات. هدف مزدوران فقط محاصره روستا نبوده و در ادامه همان سیاستهای ارتجاعی و وحشیانه‌ای است که مدت ۷ سال تمام

به زحمتکشان خلق کردتحمیل نموده است. پس از محاصره روستا، نیروها و رژیم مردم این روستا را از رفتن به باغات و چرای گوسفندان بازداشتند تا بدینوسیله زهرچشمی از آنها بگیرد و آنها را وادار نماید که برای رژیم اسلحه بردارند و از منافع غارتگران و سرکوبگرانهاش دفاع کنند. زحمتکشان این روستا با مقاومت همه جانبه خود از این خواست رژیم سر باز زده و زیر بار چنین خفتی نرفته‌اند. غارت و چپاول توده‌های ستمدیده کردستان، نمونه دیگری اوفشار روستایی است که زحمتکشان خلق کرد نیز همواره توسط مزدوران رژیم در معرض آن قرار داشته‌اند. در این رابطه با پادای رژیم به روستاهای "دانی که کش" — "تسن بهر" — "خانه گا" — "لنگه ریز" — "زوبنج" و "دراله" رفته و به آنها به تشکیل صندوق تعاونی از هر خانوادگی مبلغ ۵۰ تومان گرفته‌اند. در تمامی منطقه "ژاوه رود" نیز به کلیه زحمتکشان ابلاغ گردیده که هر خانوادگی باید ۱۰۰ تومان بعنوان کمک به جبهه‌ها بپردازد.

اورامانات

بر اثر توطئه باران روستای "ریژنا و" در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه یک تن مجروح و در روز ۲۸ اردیبهشت ماه در منطقه نوسرد یک دانش آموز جان خود را از دست داد و دانش آموز دیگری نیز زبندت مجروح شده است.

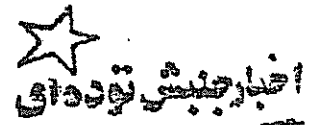
مهابان

رژیم غرق در بحران و ورشکسته جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت طبقاتی و سیاستهای جنگ افروزانهاش جز فلاکت و سیه روزی، کشتار و ویرانی، جهل و فساد و غارت و چپاول ارمغان دیگری نداشته، برای گرم نگه داشتن تنور جنگ ارتجاعی و تا مین کمبودهای هزینه سرآم آورد جنگ به اخاذی و غارت توده‌های زحمتکش هم — چنان ادامه میدهد تا چندساعتی دیگر

بر عمر تکلیت بار خود بیافزاید. بتاراج بزدن دسترنج توده‌های زحمتکش منطقه مهاباد نیز همچون زحمتکشان دیگر مناطق کردستان در همین راستا قرارداد را در ادامه این سیاستهای ارتجاعی، رژیم روز ۲۲ خرداد ماه جاشها و پاسداران میان دو آب را به منطقه "مخال" واقع در جنوب مهاباد کسب داشته و به خانه یکی از روستائیان در "سنه جسم" رفته و مبلغ سیمده هزار ریال از وی اخاذی میکند. در همین تاریخ به خانه فرد دیگری رفته و مقدار دیرین پول و زیورآلات را بغارت میبرد. شب هجدهم اردیبهشت ماه نیز به روستای "توبیه" که ترک زبان هستند حمله برده و مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال از فردی بنام صوفی اخاذی میکنند. مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال نیز از فردی بنام جواد گرفته و در همان شب به یک کارگاه جوجه کشی رفته و با چکل عنوان پیشمرگ مبلغ ۷۰ هزار تومان مطالبه مینمایند. کارگران و نگهبانان این کارگاه که از حمله آنان آگاه میشوند به آنها میگویند چنین مبلغی در اختیار رندارند و چنانچه فردا شب مراجعه نمایند این مبلغ را با آنها خواهند داد. شب بعد کارگران و نگهبانان با آمادگی کامل منتظر مزدوران میشوند و بعضی مراجعه این غارتگران به آنان حمله برده و یک پاسدار را طاعانی اسلحه میان دو آب و جاش خود فروخته‌ای بنام محمدرهان اهل "تهنگه درچه" را بزندت مجروح می‌زنند. مزدوران که ارتجاعی زحمتکشان را فلک گیر میشوند کارگران و نگهبانان را به رگبار می‌سپارند و فردی به نام "خدمت" را که نگهبان جوجه‌کشی بوده از پای در میارند و از منطقه میگریزند.

ارومیه

در اواخر اردیبهشت ماه گذشته نیروهای مزدور جمهوری اسلامی به روستای "که نه سی" اوتوا بخش برادوس محسوم برده و ضمن فشار به روستائیان زحمتکش یک نفر اهل روستای "کنبد" را که به روستای مذکور رفته بود دستگیر و بطرز فجعی اعدام مینمایند. مردم روستا متحداً علیه سرکوبگران دست به اعتراض میزنند و نیروهای جنایتکار رژیم با تیر اندازی هوایی آنان را متفرق می‌سازند.



چند خبر
از شهرهای کردستان

سنگرز

در پی فشارهای گوناگون رژیم به توده‌های مردم کردستان، اخیراً کامیونداران شهرسنگرز در اعتراض به گسیل اجباری به جبهه‌های جنگ ارتش ایران و عراق، دست به اعتصاب زده‌اند رژیم که می‌کوشد به هر حلیه‌ای برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، دسترنج توده‌ها را غارت کند پس از اعتصاب کامیونداران اعلام کرده است، چنانچه کامیونداران هریک مبلغ ۱۵۰۰۰۰ یکمده و پنج هزار تومان به دولت بپردازند از اعزام آنها خودداری خواهد کرد، در همین رابطه برخی کامیونداران مجبور شده‌اند که کامیونهای خود را بفروشند.

روز "عید فطر" نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در داخل شهرسنگرز خانه‌ها را مردم حمله ور شده ۲۰۰ تن از جوانان شهر را دستگیر و پادگانهای نظامی اعزام داشته‌اند.

در حوالی شهر پیدا می‌شود و مزدوران در کمال رقاقت از این عمل چنانستکارانه اظهار بی اطلاعی نموده‌اند.

پساوه

سیاست سربازگیری اجباری رژیم در پساوه نیز همچون سایر نقاط کردستان توسط مزدورانش با ضرب و شتم خانواده‌ها، مشمولین و خانه‌گردیهای مستترادامه دارد. اخیراً نیروهای سرکوبگر ضمن محاصره خانه‌های مردم شهر پساوه و روستاهای اطراف آن اقدام به کنترول و بازدید نموده و چنانچه موفق به دستگیر و بازدید نموده و چنانچه موفق به دستگیری مشمولین نگردند، خانواده‌ها را آنان را به گروگان میگیرند. رژیم تا کنون با این شیوه ردیالانه توانسته است تعدادی از جوانان را راهی مراکز نظامی و پادگانها نماید. اما قرار مشمولین همچنان ادامه دارد.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

پیرانشهر

حواپیمای بمب افکن عراق روز ۲۲ اردیبهشت ماه مناطق "قهنات" ناوخورده، چپانه و ویل بادیناری در حوالی پیرانشهر را بمباران کردند که در نتیجه تلفات سنگینی به مردم وارد آمد و در روستای "ناوخورده" دوازدهمکتش جان خود را از دست دادند. در ادامه این ارتجاعی روستاهای "سهرگرده، زبیره - کونه‌لاجان - بهرگه‌مران - شین‌شای - همین‌شای - سدی کام - کونه‌خان و گهس گهس بمباران شد، در روستای کونه‌خان

چند زخمی، از یک خانواده مجروح گردیدند و در روستای "همین"، "ناو و نیز" چهار تن مجروح شدند. بر اثر این بمبارانها روستاهای "قرقه بیان - قه‌م‌تیره - ویران شدروستا شیان زخمکش آواره شدند.

همچنین نقاط مسکونی پیرانشهر و حوالی آن از جمله اداره آموزش و پرورش، مدرسه منتظری و بازار قدیم مورد هدف قرار گرفت و بسیاری از خانه‌ها منهدم و آسیب دید. خسارات مالی فراوان به مردم شهر و حومه وارد آمد، نگخانه بکلسی ویران و تلفاتی ساکنین آن جان خود را از دست دادند.

روز ۱۱ خرداد ماه نیز تعدادی از حواپیمای بمب افکن عراق "دول‌تور" ناویشت روستای "هبله‌تلی" تا پادگان و "پل" سهرکا را "روستای سهرگرده" کوهستان و کاجی جو" را مورد هدف قرار داد که تلفات و خساراتی به مردم زخمکش این مناطق وارد آمد. بر اثر این اقدام وحشیانه زخمکش اهل روستای کونه‌خان مجروح شده‌اند.

زخمکشان روستاهای "بسلوان، سن‌ری و گل‌کهن" بمب‌های رانشسای ستوالی از سوی نیروهای عراقی بمباران به‌ترک خانه و کاشانه خود شده و به خیل عظیم آوارگان جنگی پیوستند.

سردشت

جنگ ارتجاعی ایران و عراق که در تمامی نمردها جز فقر، آوارگی، گمراهی و بیکاری شمره‌ای برای زخمکشان نداشته همچنان موجب آوارگی و دردمندی زخمکشان دو کشور است. در همین رابطه بر اثر شوت و خمپاره‌باران روستاهای منطقه "تالان" سردشت از سوی طرفین جنگ اهالی روستاهای "خوار، هیر، سه‌رن‌شای - سه‌سدهای - گهرم‌شای و سفلی و علیا) به روستاهای بی‌شکر کوچ کرده، و آواره شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی در اجرای سیاستهای سرکوبگرانه خود اخیراً به روستاهای "چیف‌علیا و سفلی - بهردان" و "زهرده‌گانی" اخطار کرده است که روستاهای خود را تخلیه کنند. در سردشت

مریوان

رژیم ترور و خفگان جمهوری اسلامی روز ۲۲ اردیبهشت ماه یکی از اهالی روستای شارانی را توسط مزدورانش در یکی از خیابانهای شهر بکبار بست و بنهادت می‌رساند. نامبرده روز ۱۹ تیرماه اردیبهشت ماه توسط مزدوران رژیم دستگیر گشت بود و بعد از سه روز در زندان اطلاعات سپاه تحت شکنجه وحشیانه قرار داشت، جنازه وی توسط خانواده‌اش

پویان

شکستنده انفعال . . .



فدائی شهید رفیق امیرپور پویان

خود توانسته بود فرهنگ سیاسی آن روز جامعه را تحت تاثیر قرار دهد . پویان در این زمینه ابداعگر آنچنان شیوه ادبیات سیاسی رزمنده‌ای است که هیچک از کسانی را که در نشریات روشنفکری آزمون فلم میزدند، و یا در محافل مطالعاتی و درکنج خانه‌ها سردر میان کتابها فروبرده بودند، یا رای ایستادگی در مقابل آن نبود، او با بکارگیری این سلاح و با تازیا نه نقد تیز و کزنده خود، به مقابله با فرهنگ ارتجاعی پرداخت، و محافل تنگ و کفک‌گرفته روشنفکران و اخورده را که به اشاعه یاس و انفعال مشغول بودند، با قدرت بی نظیری درهم کوفت . درک انقلابی و بالائی پویان از مسائل که در نوشته‌های محدود، اما کم نظیر او انعکاس یافته است، مبنای سبزندگی ادبیات سیاسی او، قاطعیت بیرولتری، بیرحمی و توانا نشانش در افشاء و مقابله با افکار و طبقات غیر پرولتری است .

پویان در مقابله با تفکرات ارتجاعی و نصابندگان سیاسی خسرده - سرزوازی و ارجعله یکی از سردمداران آنها، جلال آل احمد، که در آن مقطع از شرایط دیکتاتوری و خفتان به‌خشم آمده، را آرایشی پر خاشاکرانه و

عمیاسگر به توهم پراکنی حول و حوش خود مشغول بود، سهم بسزا وارزنده‌ای داشت و با توانمندی هرچه بیشتر، چنین تفکراتی را از بزم و مطرود ساخت .

او که در دوران زندگی و فعالیت مبارزاتی خود، با کسب آموزشهای لازم تجاربی بسیار غنی اندوخته بود، با صلح شدن به تئوری مارکسیسم - لنینیسم توانست به بررسی مسائل عینی جامعه پرداخته و رژیم سرمایه داری را به عنوان مسبب اصلی تمامی مآسای جامعه، عمیقاً درک کند و با خلاصیت تحسین برانگیزی در مقام یک انقلابی کبیر، به جمع‌بندی و تعمیمت جامعه و مشکلات آنروز بپردازد .

رفیق پویان با تیزبینی، تا ثیرات زیانبار ناشی از سرکوبهای خشن رژیم شاهنشاهی که بر روحیات توده‌ها سنگینی میکرد و از این طریق تا ثیرات نسبی خود را بر تضعیف روحیات تعرضی توده‌ها باقی گذاشته بود، دریافت، او همچنین شناخت خود را از گروهها و سازمانهای سیاسی که در آن زمان حضور داشتند، تدقیق نمود، گروههایی که از تئورس پلیس‌شاه و برای حفظ بقاء خود، عاجز از هرگونه سازماندهی توده‌ای و یا حتی گسترش تشکیلات خود بودند و لاجرم بعد از سپری شدن مدت زمانی کوتاه در بی تحرکی و سکون، اگر طعمه پلیس و ساواک نمیشدند، خود از درون گندیده و متلاشی می‌گشتند، با شناخت از چنین شرایطی است که رفیق پویان، کتاب ارزشمند خود " ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء " را تدوین میکند، و بر نقش و وظیفه پیشاهنگ، در بهم زدن این مانده، تاکید می‌نورزد .

پویان همه تلاش خود را در جهت از میان بردن روحیه یاس و افت روحیه مبارزاتی که بر اثر مجموعه شرایط اقتصادی - اجتماعی و تاریخی آنروز و از جمله اشکال و پشاهنگان و رهبران، و بی کفایتی آنان در امر رهبری مبارزات توده‌ها حاصل گشته بود، بکار گرفت .

ایمان سرشار پویان به توده‌ها، فداکاری و از خودگذشتگی کمونیستی، تلاش در جهت به مرحله عمل در آوردن - مارکسیسم - لنینیسم در عرصه زندگی واقعی، از مشخصه‌های این رفیق است . او که در امرهای کارگران و زحمتکشان از بوغ بردگی مزدوری یک دم از پای

تسی نشست، به انتقادهای سیاسی - ادبی خود اکتفا نکرد و با شرکت فعال در مبارزه مسلحانه آنروز، جامعه سرمایه‌داری، کلیه مظاهر استغری ناشی از این نظام را زیر سؤال برد، پویان در ادامه فعالیت‌های آگاهانه خسرده، " نقد اسلحه " را بجای " سلاح نقد " نشانده، و نشان داد که یک مارکسیست - لنینیست واقعی است و مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای عمل انقلابی خود میداند، او با برخوردی دیالکتیکی و آگاهانه، و با عمل انقلابی خود، تحرک نوین و هدفمندی را بنیان گذاشت و بقاء رزمنده را جانشین بقاء منفعل نمود .

هرچند که رفیق پویان در ایسن جمع‌بندی و در ارزیابی مطلق توانائی دشمن و مطلق ضعف توده‌ها در آن مقطع دچار افراط میشود، اما او با خلاصیت هرچه شما تر در راه اهداف عالی سازمان و در راه جلب اعتماد توده‌ها به پیشروان قدمهای بسیار شمریخی بر میدارد . پویان همچنین در مورد یکی از مسائل حاد آنروز جنبش، یعنی رابطه توده و پیشرو، محافل مارکسیستی و طبقه کارگر، کدشیروهای انقلابی سردرگم، اما در بی تحقق آن بودند، در همان جمع‌بندی، ضمن تاکید بر اهمیت ایجاد سازمان سیاسی طبقه کارگر - که آنرا جانشین انفعال و بی‌برنامگی کلیه محافل ریز و درشت آنروز ساخت - نشست محکمی بر دهان کلیه پورتونیستها، پرولتروهای درازگو و محافل بی عمل، که میخواستند و انموده‌سازند پویان و امثال او! اعتقاد بی‌طبقه کارگر ندارند، نواخت، و چنین نوشت: " برای آنکه باید ابرمانیم، رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را بوجود آوریم، باید طلسم ضعف خود را بشکنیم، باید با توده‌های خویش ارتباط مستقیم و استوار بوجود آوریم " (ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء - تاکید از ما است) و بدین شکل عمق انتقاد را سخ خود را به طبقه کارگر به نمایش گذاشت و در جهت ایجاد سازمان سیاسی این طبقه، جان خود را نیز فدا کرد . خسرما به اصلی تفکر رفیق پویان، در اساس بر سازماندهی طبقه کارگر مبنی بود، از همین رو پویان، آغازگر راهی

و برانداختن سلطه آن صورت نگیرد. هنگامیکه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و امپریالیسم به حیات فارت گرانه خود ادامه میدهند، هنگامیکه زمینداران، املاک بزرگ اراضی و صنایع طبیعی را در اختیار خود دارند، هیچکدام از حقوق اقتصادی زحمتکشان تا مین نخواهد گشت.

بنابراین روشن است که منافع مدافعین اهداف مذکور در مقابلت کامل با تحولات انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی بمعنای واقعی که هدف نوری انقلاب است قرار دارد.

مدافعین اهداف این "جبهه" اگر چه حتی در اشکال تعدیل یافته اما به این شیوه خواهان فقط نظم ارتجاعی بوروکراتیک حاکم بر ایرانند و با اهداف واقعی انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی ایران خصومت میورزند. این اهداف طرح شده تنها میترانند پایه وحدت طبقه از نیروهای بورژوا و فرمیست قرار گیرد، نیروهای که منافع آنها در تقابل با منافع کارگران و زحمتکشان بوده و چنگلی اعم تلاش خود را برای تا مین سرکردگی بورژوازی بر انقلاب قرار داده اند.

طریقشوراهاست. وعده "زادی" این بند نیز هیچگونه تضمینی ندارد چرا که بدون جدائی دستگاه دولت از مذهب در هر رژیم تناسلی نخستین آزادیهای فردی و اجتماعی نقض خواهد گشت.

فرضیه سوم "رفع غنمی و تا مین حقوق ملی خلقهای متمدیده، کشور" وعده داده شده است. روشن است مادام که نظام سرمایه داری ریشه کن نشده و دمکراسی پیگیر متحقق نگشته است و در سیستمی که هیچگونه تضمینی برای برقراری دمکراسی واقعی وجود ندارد و عامل اصلی استثمار ملی یا برچاست "رفع غنم ملی و... یک شمار میان تپی بیش نیست.

بند چهارم، تا مین حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان شهر و روستا وعده گردیده است. تا هنگامیکه هیچگونه مبارزه عملی علیه امپریالیسم



حزب دمکرات و ه ه

جمهوری اسلامی بطور خاص روشن گردیده است. دوما، اگرچه حزب دمکرات ما مدعا از تصریح نیروها و با افشار و طبقاتی که در این جمهوری مستقل قدرت سیاسی را بدست میگیرند، خودداری ورزیده است، اما توجه به برنامه و اهداف "جبهه" حزب و نیروهای که بان فراخوانده میشوند و در درون آن جای میگیرند، خود روشنگر ماهیت بورژوازی این طبقات و طبعا "جمهوری مستقل" مورد نظر حزب میباشد.

در بند دوم تا مین دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک بسراسر کشور وعده شده است، اما روشن مشخص است که این دمکراسی کلی و دروغین است، این دمکراسی مطلوب بورژوازی است چرا که شرط نخستین بگانه تضمین برقراری دمکراسی واقعی اعتقاد به انحلال تمام ماشین نظامی بوروکراتیک دولتی موجود و تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت مستقیم بوده ها از

غانیمت بدست آمده

۷۳	جنگ افزار انفرادی
۱۱۴	انواع نارنجک
۶	بی سیم
۱۴۴۷۰	انواع فشنگ
۱۳۲	خشاب
۷	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۵۶	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۲۱	پیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۳۰۱	کشته وزخمی
۱۲	اسرای دشمن
۲۰	خودروی منهدم یا سادره شده
-	ملاحهای منهدم شده
-	مهمات منهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ اردیبهشت تا ۲۷ خرداد

عملیات پیشمرگه

۱۹	کسین و کنترل جاده
۶۸۱	مین گذاری
۲۷۱	مقابله در مقابل بورژوا رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۲	مما دره و انهدام تاسیسات
۱۲	حمله به پایگاهها
۲۲	جمع

۱۶	شندای پیشمرگه
۶	اهالی بی دفاع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

سازگه و تویی پروتئنه وهی شور نشگیراندهی گه لی کورد

بیان فدائی خلق رفیق سید سلطانی پور



با توپزاه میزنم، تا همه باغ خون شوم
 لاله واژگون شوی، لاله واژگون شوم
 ای گل سرخ نارمان
 چشمه و آبشار من
 لاله ورودیار من، دره و کوهسار من
 غلغل ارغوان توئی
 آتش ستمه خوان توئی
 بلبل آتشان خون
 در شب خونچکان توئی

پیویان شکننده انفعال رزمنده راه رهایی طبقه کارگر

صبحگاه سوم خردادماه ۱۳۵۱
 محله نیروی هوایی تهران، شاهسردی خونین، قهرمانانند...
 رزمندهای نکور، قهرمانی بی پای
 از تبار فدائی، امیر پرویز بیرسان
 یکی از بیباکداران توانای سازمان
 خون گرم خود را در رویارویی با
 مزدوران سرمایه، در راه آزادیان
 والای طبقه کارگر شاکرد و اولادین
 طریق، کام دیگری در تثبیت حلقه با
 راه سرخ فدائی، راه انقلاب بر داشت
 و خود، پشوانه مستبر دیگری بر
 این حقانید تاریخی، پیویان بیاحتی
 توانست در عرصه تئوری و پراتیک
 کامهای بزرگی در خلق ارزشها و مفاهیم
 نوین بردارد، که در ادامه در بطن
 جنبش کمونستی جا افتاد و تثبیت شد،
 رفیق پیویان، پیش از آنکه حتی
 بعنوان یک انقلابی حرفه ای در سازمان
 به فعالیت انقلابی بپردازد، بعنوان
 مبارزی فعال و چهره ای سرشناس به در
 زمینه های ادبیات و شعر و سیاست
 از کیفیت و توانائی بالایی برخوردار
 است، در میان انقلابیون شناخته شده
 بود، او، بعنوان یک انقلابی فخرمند
 خلاق و متفکر، با آثار و نوشته های

اخباری از جنبش توده ای

در صفحه ۱۷

روزنامه کیهان شماره ۲۰۱
 تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۳۵۱
 شماره مسلسل: ۱۳۵۱

موضوع: بیانیه فدائی علیه رژیم پهلوی
 و اعلام بلیسی - چا نومی سازمان مجاهدین خلق

این بلیست چنانچه
 و اصلاح پیشنهادی لیبیرالها

اول مقاله بحث،
 شایسته و در حدی دور پیشگامان

چهارم از جانشین
 در یادمان شاد

روزنامه های سیاسی

روزنامه های سیاسی

گواهی باد ۲۳ خرداد
 سی و هفتمین سالروز اعتصاب
 قهرمانان توده یزخانه های
 تهران

خلق کرد پیروز است
 جدول یک ماهه
 علیات پشمرگان
 خلقی کرد
 در صفحه ۲۵

رادیو
صدای فدائی
 موج کوتاه ردیف ۷۵ متر
 ساعات ۸/۵ بعد از ظهر
 ۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

۳ خرداد و نقاب در استتال
 و روند تکاملی انقلاب را هموار کند،
 با در راستای منافع طبقاتی تشرور استای
 معین و دست یازیدن آنان به اعمال
 و خواسته های گروهیشان بیانجامد و سد
 راه انقلاب کرده، بیانگر مفهبندهای
 طبقاتی ارسوئی را بگیری جریانات
 در صفحه ۹

آنچه که در تاریخاً ررات توده ها
 همواره بنام نقاب عطف از آن ذکر
 میروند، بدون تک یا دور نکست یا
 پیروزی، غلبان و با خروش عمیان توده ها
 در دورانهای انقلابی است.
 ایسکه چنین نقاب عطفی تا چند حد
 خدمت شنادهای طبقاتی در جامعه ما نرسد